

اولین همایش نهضت تامین مالی شهر



نتیجه

. ترور در مقابل ترور

. فقط نابودی اسرائیل

. نظریه پردازی سواد رسانه ای

. سینمای مستند و آینده

. مدیریت حذفی در جنگ

. غزه شیعه باید باشد

. سازمان ملل در مسیر انحلال

. شناخت شناسی: تاریخ علم غربی



اولین همایش نهضت تامین مالی شهری صبح روز ۲۳ آذر ماه سال ۱۴۰۲ در مرکز همایش‌های بین‌المللی برج میلاد با حضور زاکانی شهردار تهران، عشقی رئیس سازمان بورس، احمدی مدیرعامل بانک شهر، چمران رئیس شورای شهر تهران و فروزنده معاون مالی اقتصادی شهردار تهران برگزار شد و در انتهای مراسم تفاهنامه همکاری بین مجمع شهرداران کلان‌شهرهای ایران، سازمان بورس و بانک شهر امضا شد. علیرضا زاکانی با تاکید بر لزوم توجه به فرهنگ تحقق قانون اساسی گفت: باید فرهنگ تحقق قانون اساسی و به‌کارگیری هر موجودیتی در مختصات خود مورد توجه قرار بگیرد تا وقتی این زمینه فراهم نشود نمی‌توان انتظار داشت کارکردهای مورد مطالبه تحقق یابد. شهردار تهران با تاکید بر اینکه فرصت امروز دولت برای تحقق قانون اساسی طلایی است، تصریح کرد: این فرصت امکان می‌دهد که مسئولیت‌های اداره شهر را بپذیریم. آنچه که به تعبیر مراجع بین‌المللی مبنی بر شهرنشینی هفتاد درصدی کل جهان در سال ۲۰۵۰ در شهرها ابراز شده، در حال حاضر در کشور ما محقق شده است. وی با بیان اینکه روستاها نقش مهمی در تولید دارند گفت: عادت گذشته شهرها برای مصرف، عادت بدی بوده است اما با این وجود کشور باید به سمت سازندگی حرکت کند. برای این شرایط نیازمندیم که منابع و امکانات لازم را در شهرها فراهم کنیم.

مجموعه مدیریت شهری تهران، هفتاد همت بدهی داشتیم. امروز از این هفتاد همت به عنوان اهرمی برای تسویه بدهی‌ها و ایجاد تسهیلات استفاده کنیم. لذا ما نیازمند مشارکت مردم هستیم. سال گذشته یک تجربه جدید در تهران داشتیم. ما ۲۰۸۰ پروژه داشتیم که در مورد آن‌ها از مردم نظرخواهی کردیم. ابتدای این هفته بررسی کردیم که از ۱۴۶۲ پروژه‌های که استارت زدیم فقط کمتر از بیست پروژه آغاز نشده است. امسال یک گام جلوتر رفتیم و از مردم خواستیم تصمیم سازی کنند. بالغ بر هفت هزار پروژه از پیشنهادات مردمی داشتیم. ما پروژه‌های سنگین شهری داریم که مردم در محلات خود با آن‌ها زندگی می‌کنند. با اینکه قریب کمتر از دو هفته به پایان نظرات مردم باقی مانده، بالغ بر پانصد هزار مشارکت داشتیم. هدف ما این بود که به یک میلیون برسیم. این

ساختن و آباد کردن شهر، در کنار باور به شوراها، شهرداری‌ها و اعتماد مردم، نیازمند امکانات و منابع هستیم. شهردار تهران با بیان اینکه از نگاه مردم تفاوتی بین کارگزاران کشور وجود ندارد، افزود: خوبی و بدی یک جزء به کل نظام برمی‌گردد. اما حقیقتاً امروز این پیوستگی بیش از قبل است. انتظارات مردم هم بیش از گذشته است چون مردم صاحبان اصلی انقلاب و کشور هستند. مسئولان باید با تشریح مساعی زمینه را برای خدمت آماده کنند. در هم انباشتنی، کشور را در موقعیتی قرار داده که نیازمند چاره است ما امروز با هفت هزار میلیارد تومان نقدینگی مواجه هستیم اگر این نقدینگی در هر حوزه و بازاری وارد شود؛ کشور را از حالت تعادل خارج می‌کند باید از نقدینگی به عنوان یکی از ظرفیت‌های بزرگ سازندگی در کل کشور استفاده کنیم؛ زاکانی در ادامه خاطرنشان کرد: ما دو سال قبل در

بیان کرد: معتقد هستم باید فرهنگ تحقق قانون اساسی و به‌کارگیری هر موجودیتی در مختصات خود مورد توجه قرار بگیرد تا وقتی این زمینه فراهم نشود نمی‌توان انتظار داشت کارکردهای مورد مطالبه تحقق یابد. شهردار تهران با تاکید بر اینکه فرصت امروز دولت برای تحقق قانون اساسی طلایی است، تصریح کرد: این فرصت امکان می‌دهد که مسئولیت‌های اداره شهر را بپذیریم. آنچه که به تعبیر مراجع بین‌المللی مبنی بر شهرنشینی هفتاد درصدی کل جهان در سال ۲۰۵۰ در شهرها ابراز شده، در حال حاضر در کشور ما محقق شده است. وی با بیان اینکه روستاها نقش مهمی در تولید دارند گفت: عادت گذشته شهرها برای مصرف، عادت بدی بوده است اما با این وجود کشور باید به سمت سازندگی حرکت کند. برای این شرایط نیازمندیم که منابع و امکانات لازم را در شهرها فراهم کنیم.

نهضت تامین مالی شهر که با حضور مهدی چمران رئیس شورای شهر تهران، سید محمد مهدی احمدی مدیرعامل بانک شهر، مجید عشقی رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار ایران و جمعی از شهرداران کلان‌شهرهای ایران با هدف ارایه راهکارهای اساسی برای جلب مشارکت مردم در تامین نهضت مالی اداره شهرها روز پنجشنبه ۲۳ آذرماه در برج میلاد تهران برگزار شد، ضمن محکوم کردن جنایات رژیم صهیونیستی در فلسطین، گفت: امروز شاهد بزرگترین کشتار و نسل‌کشی در فلسطین اشغالی هستیم و ما نیز همچون مردم آزاده جهان با مردم مظلوم غزه ابراز همدردی می‌کنیم. امیدوار هستیم نیروی مقاومت حماس در دفاع از مردم فلسطین به پیروزی اصلی خود یعنی نابودی رژیم صهیونیستی برسد. شهردار تهران با بیان اینکه با برگزاری همایش و نمایشگاه نهضت تامین مالی شهر

از نخستین نمایشگاه و همایش

سازمان ملل به ایران تعظیم کرد

مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه آتش بس فوری در غزه را با ۱۵۳ رای تصویب کرد

مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ای را با رای مثبت ۱۵۳ عضو خود یعنی اکثریت قاطع آرا تصویب کرد که خواستار آتش بس فوری بشردوستانه در غزه و همچنین آزادی فوری و بدون قید و شرط همه اسرا شده است. به گزارش خبرنگار ماهین نیوز، از سازمان ملل در جلسه اضطراری مجمع عمومی سازمان ملل درباره وضعیت نوار غزه که عصر سه شنبه به وقت محلی ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳ برابر با ۲۱ آذر ماه ۱۴۰۲ تشکیل شد، ۱۵۳ کشور از میان ۱۹۳ عضو سازمان ملل به قطعنامه برقراری آتش بس فوری در غزه و نیز آزادی فوری و بدون قید و شرط همه "گروگانها" رای مثبت داد. ۱۰ عضو سازمان ملل رای منفی دادند و ۲۳ عضو نیز رای ممتنع دادند و به این ترتیب اکثریت قاطع اعضای سازمان ملل در برابر آمریکا و

رژیم اسرائیل ایستادند. پاراگانه و اتریش نیز در زمره مخالفان این قطعنامه بودند که رای منفی دادند. انگلیس مهمترین متحد آمریکا و کشورهایی همچون آلمان ایتالیا، هلند و اوکراین نیز به این قطعنامه رای ممتنع دادند. در دهمین جلسه اضطراری مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان حمایت از غیرنظامیان و اجرای تعهدات حقوقی و بشردوستانه، قطعنامه برقراری آتش بس فوری در غزه به رغم مخالفت ۱۰ عضو سازمان ملل از جمله آمریکا حامی بزرگ رژیم اسرائیل و نیز این رژیم به تصویب رسید. این قطعنامه که از سوی گروه کشورهای عربی و اسلامی ارائه شده است، از وضعیت فاجعه بار انسانی در نوار غزه و رنج مردم غیرنظامی فلسطین ابراز نگرانی شدید می‌کند و بر محافظت از جمعیت غیرنظامی فلسطین و

اسرائیل باید مطابق با قوانین بین المللی بشردوستانه تاکید می‌کند و خواستار آتش بس فوری بشردوستانه است. این قطعنامه مجدداً تاکید می‌کند که همه طرف‌ها باید به تعهدات خود تحت قوانین بین المللی از جمله حقوق بشردوستانه بین المللی به ویژه در مورد حمایت از غیرنظامیان، پایبند باشند. این قطعنامه همچنین خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط همه "گروگان‌ها" «و همچنین تضمین دسترسی بشردوستانه است. تلاش آمریکا و کشورهای غربی برای تغییر قطعنامه و معرفی حماس به عنوان گروه تروریستی با مخالفت کشورهای عضو و با عدم کسب حدنصاب آرای لازم برای دومین بار با شکست مواجه شد. جمهوری اسلامی در همراهی با تصمیم کشورهای اسلامی و عرب و با ثبت مجدد تحفظ خود

نسبت به راهکار مطرح در مساله فلسطین و شناسایی اسرائیل، به قطعنامه برقراری آتش بس فوری در غزه رای مثبت داد. پیش از این رای گیری این قطعنامه، اصلاحیه‌هایی مطرح شد که هیچ یک به تصویب نرسیدند. از جمله اصلاحیه‌ای به رهبری ایالات متحده در مورد پیش نویس قطعنامه بحران غزه در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب نشد. این اصلاحیه فقط ۸۴ رای کسب کرد و نتوانست اکثریت دو سوم آرای اعضای سازمان ملل را به دست آورد. گیلعداد اردان سفیر و نماینده اسرائیل در سازمان ملل که از طرح این قطعنامه و تصویب آن عصبانی بود، پیش از رای گیری در سخنانی با در دست گرفتن تصویر «یحیی سنوار» رئیس جنبش حماس گفت: اگر آتش بس واقعی می‌خواهید با حماس تماس بگیرید و

ترور در مقابل ترور



چشم در مقابل چشم، (العین بالعين)، ترور در مقابل ترور، چیزی است که قرآن بارها بر آن تکیه دارد، ولی مردم غزه از آن بی خبرند، زیرا تا کنون علمای سنی، این آیات را برای آنها تفسیر نکرده اند. از نظر علمای سنی، هر کس حاکم باشد باید از آن اطاعت کرد. لذا حاکمیت اسرائیل را هم پذیرفته اند. اما در شیعه، امام باید معصومترین و عالم ترین افراد و آگاه ترین آنها باشد. لذا اطاعت از امام یا حاکم و یا والی ظالم، واجب نیست، بلکه باید با آن مبارزه هم کرد. چون معصوم تالی قرآن است. همانطور که پیامبر فرمود: من بین شما دو شی گرانبها بجا گذاشته ام: قرآن و عترت(لن یفترقا حتی یرد علی الحوض) و لذا تفسیر قرآن به عهده امام معصوم است. از این جهت باید: غزه شیعه شود تا بتواند از خود دفاع کند. و الا هرنوع مبارزه با حاکم(چه اسرائیل و چه محمود عباس) شرعی نیست. به همین جهت اغلب مبارزان، کمونیست یا چپ هستند، ولی در شیعه حضرت علی ع، زیر بار امامت و خلافت عمر و ابوبکر نرفت! حتی حضرت فاطمه در این راه، زندگی خود را از دست داد. بر اثر ضرباتی که عمر بر بدن نحیف او وارد کرد، و درخانه اش را آتش زد، فرزندش سقط شد، خودش هم در جوانی به شهادت رسید. اینها دروغ نیست، افسانه هم نیست. لذا باید سمرشق مردم غزه، دختر پیامبر باشد، نوه حسین) تا غزه هاشمی را غزه کفار ننماید. که صهیونیست ها را امام بدانند! یا محمود عباس بهایی را. در این صورت چشم شان باز می شود، و همه آیات قرآنی را می خوانند. آیا قرآن نغرموده(فاعتدوا به مثل ما اعتدی علیکم؟) چرا پس اسرائیل اینهمه بمباران می کند، شما نمی کنید؟ چرا ۱۸۰ هزار نفر را کشتند، از آنها انتقام نمی گیرید؟ آرامش شما و برداشت غلط از قرآن، باعث شده که: آنها حتی ترور رهبران حماس را علنی اعلام کنند! اعلامیه چاپ و در غزه منتشر کنند، و به آنها بگویند: هرکس مخفیگاه رهبران حماس را بگوید، جایزه می گیرد؟ این اعلامیه ها نشان می دهد: که مردم غزه را خوب نشناخته اند، فکر می کردند: همان غزه سنی هست. و با یک جایزه، سران حماس را تحویل می دهد.

فقط نابودی اسرائیل



الزام آور نبودن مصوبات مجمع عمومی باعث شد، با اینکه جامعه جهانی به توقف حملات غزه رای داد ولی، اسرائیل بدون حمایت جامعه جهانی نیز به جنگ ادامه میدهد. کشتار غزه نشان می دهد که تنها راه پایان جنگ ها و نسل کشی ها، نابودی کامل اسرائیل است. زیرا اسرائیل شیطان مجسم است، و رگ و ریشه خود را، در تمام جهان گسترده هست. برگزاری اجلاس آب و هوایی در زیر گوش ایران، و دعوت از رئیس رژیم جعلی اسرائیل آنهم: بعد از تصویب قطعنامه سازمان ملل، یک هشدار است: که نشان می دهد اسرائیل همچنان، در میان سران عرب از جایگاه ویژه برخوردار است. در حالیکه افکار عمومی جهان باید بداند که: تاسیس این کشورها، همزمان با تاسیس اسرائیل است. یعنی همان دستی که اسرائیل را بوجود آورد، شیخ نشین ها را هم تاسیس کرد. و نابودی اسرائیل هم، به معنی نابودی: خاستگاه همه هواداران هرتزوک است. امروز مشخص می شود که: آیا کشوری که رای منفی، به مصوبه آتش بس غزه دادند، همچنان متحد اسرائیل باقی خواهند ماند یا خیر. سناریوی لازم در این زمینه بر دو نوع است: در پلن آ، فرضیه این است که اسرائیل، محکوم شود. و از حضور او برای: الزام آور کردن مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل، تاییدیه های لازم گرفته شود. یعنی همانطور که رئیس قطر و امارات گفته اند: رایزنی ها، راه حلی برای ادامه آتش بس بوجود آورد. یعنی: شیخ نشین ها و مخالفان مصوبه، خط خود را از اسرائیل جدا کرده اند. و اسرائیل از نظر سیاسی مرده است. اما پلن بی، یا سناریوی دوم این است که: حدود ۵۰ کشور همچنان با اسرائیل بمانند، و از او در مقابل کشتار فلسطینی ها حمایت کنند. در این صورت، باید ملت های این کشورها، کار آنها را یکسره کنند. یعنی آنها اجازه برگشت به کشور خود را نداشته باشند. در این جا نیز سه احتمال وجود دارد: که باید برای آنها طرح مناسب داشت: و بدون فوت وقت آن را اجرا کرد: در مرحله اول، مردم توانایی ممانعت از ورود رهبران اسرائیلی خود را دارند، لذا غزه دادند، همچنان متحد اسرائیل باقی خواهند ماند یا خیر. سناریوی لازم در این زمینه بر دو نوع است: در پلن آ، فرضیه این است که اسرائیل، محکوم شود. و از حضور او برای: الزام آور کردن مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل، تاییدیه های لازم گرفته شود. یعنی همانطور که رئیس قطر و امارات گفته اند: رایزنی ها، راه حلی برای ادامه آتش بس بوجود آورد. یعنی: شیخ نشین ها و مخالفان مصوبه، خط خود را از اسرائیل جدا کرده اند. و اسرائیل از نظر سیاسی مرده است. اما پلن بی، یا سناریوی دوم این است که: حدود ۵۰ کشور همچنان با اسرائیل بمانند، و از او در مقابل کشتار فلسطینی ها حمایت کنند. در این صورت، باید ملت های این کشورها، کار آنها را یکسره کنند. یعنی آنها اجازه برگشت به کشور خود را نداشته باشند. در این جا نیز سه احتمال وجود دارد: که باید برای آنها طرح مناسب داشت: و بدون فوت وقت آن را اجرا کرد: در مرحله اول، مردم توانایی ممانعت از ورود رهبران اسرائیلی خود را دارند، لذا اقدام به مطالعه اخبار و تحلیل های مقاومت نمایند. سپس این محله ها با هم متحد و منطقه ای شوند. با استانی شدن، تشکیل هسته مقاومت: شورای عالی استانهای آن کشور، شکل می گیرد، که میتواند با معرفی کاندیدای خود، خواستار عزل همه مقامات طرفدار اسرائیل شود. در این حالت، مقاومت در بدنه همه ملت ها، با همبستگی کامل، باعث می شوند تا جایی برای طرفداران اسرائیل باقی نماند. آخرین روش ترور آنان است. لذا اخبار دقیق: اجلاس آب و هوایی کاپ را پیگیری کنید. اگر رئیس رژیم صهیونیستی، با هرکس تماس گرفت، آن را یاد داشت کنید. ملاقات دوج انبه و چند جانبه او را زیر نظر داشته باشند. لیست مقدماتی ترور رهبران اسرائیلی تمام کشورها، به این ترتیب تهیه می شود! برای نهای کردن این لیست، در هنگام رای گیری به نفع اسرائیل، یا عدم ترک جلسه سخنرانی رئیس، باید توجه کرد. یعنی هرکس در جلسه سخنرانی اسحق هرتزوک شرکت کرد، مرگ خود را امضا نموده است.

نظریه پردازی سواد رسانه ای



خواهد شد. مثلا در قضیه اکراین، سواد رسانه ای و یا قدرت پنهان غرب، مظلوم نشان دادن ناتو هست! که مثلا نمی خواهد وارد جنگ اکراین شود. لذا روسیه، متجاوز هست. اما تئوری رسانه ای ایران، می گوید: دو ابر قدرت شرق و غرب، برای زور آزمایی به اکراین حمله کردند: تا قدرت یکدیگر را تست کنند: اما جنگ اکراین قفل شد. زیرا هر دو مساوی بودند، و ایران با یک پهباد ارزان، آنهم فقط با رسانه داخلی هم، باعث شد تا فتنه سال قبل، با هدف رسانه ای یعنی براندازی جمهوری اسلامی تحقق یابد. اما در جنگ غزه، با

غالب مردم می شود. حتی تلویزیون من و تو(به عنوان سرفرماندهی این سواد رسانه ای) به تظهير پرویز ثابتی هم همت می گمارد. لذا دوستان انقلاب، باید به سادگی این کودتای خزنده را خنثی کنند، اولین کار تعریف یک تئوری براندازی جدید، برعلیه نظام کفر و سلطه جهانی است. چون ماهیت سواد رسانه ای براندازی است، آن را در جهت: براندازی سلطه اسرائیل و آمریکا و اروپا جهت دهد. و اگر فرضیه اثباتی را بجای سلبی فوق خواهان هستند، باید تئوری خود را برمبنای این اصل قرار دهند که: ایران ابرقدرت یکتا و یکتاپرست جهان بوده، هست و خواهد بود. لذا تغییر جهت تیتراژها، بسیار ساده خواهد شد. اخبار دروغ و جعلی و هم به راحتی شناخته

نرخ بهره یا تثبیت نرخ ارز را، تحمیل دستوری! و افزایش آن را تورم و فلاکت و افلاس متورم! معنی می کند. که از موضع دانایی اقتصادی(که خود را عقل کل می داند) هر اقدام دولت رئیسی را، یک قدم به سقوط آن نزدیکتر کند. در طول دوران بعد از انقلاب، تمام رسانه های اقتصادی موضع ضد دولتی داشته اند: اگر نرخ ارز یا قیمت ساختمان کاهش پیدا می کرد: رکود بازار و بیکاری مهندسان و: تحصیلکرده ها را مطرح می کردند. و اگر همان ها افزایش پیدا می کرد: تورم را با نرخ بیکاری جمع کرده، فلاکت اقتصادی را تیتراژ می زدند. در هر صورت دنبال نوستالژیک خودشان، که در دهه ۱۳۵۰ گم شده بود می گردند. تا جایی که سفید شویی پهلوی، گفتمان

ایران را تروریست و جنگ طلب معرفی کند. این نوع تعبیر های رسانه ای کم نیست، تمام اهل رسانه های نوستالژیک، که تئوری رسانه ای آنها هنوز در دهه ۱۹۶۰ منجمد شده، در تحلیلی چنین دارند. در خبرگزاری فارس که خود را منتسب به سپاه می کند، مقاومت غزه را نابودی ان الغا می کند: مثلا در قالب ترجم به مردم غزه می نویسد ۹۹درصد غزه نابود شده است.(اسرائیل تمام تونل ها را پر از آب کرد) یعنی اسرائیل یک قدم دیگر بردارد، به اهداف و ماموریت خود که نابودی حماس و مردم غزه هست، می رسد. روزنامه دنیای اقتصاد، هرنوع حرکت رو به جلوی دولت را، با تیتراژهای مشکوک، عقب ماندگی و افزایش فقر، تفسیر می کند: مثلا کاهش

(که واقعیت هم نداشت) حمله ور شد. هماهنگی رسانه های داخلی هم، باعث شد تا فتنه سال قبل، با هدف رسانه ای یعنی براندازی جمهوری اسلامی تحقق یابد. اما در جنگ غزه، با شناخت تاکیتک رسانه ای دشمن، همه چیز به نفع ایران تعبیر شد: با اینکه ایران شرکت نداشته، ولی همه پیروزی ها را به ایران نسبت دادند. و رهبر ایران هم اعلام کرد: ما در جنگ

مساوی بودند، و ایران با یک پهباد ارزان، آنهم فقط با رسانه داخلی هم، باعث شد تا فتنه سال قبل، با هدف رسانه ای یعنی براندازی جمهوری اسلامی تحقق یابد. اما در جنگ غزه، با

Terror against terror

An eye for an eye, terror against terror, is something that the Qur'an relies on many times, but the people of Gaza are unaware of it. Because until now Sunni scholars have not interpreted these verses for them. According to Sunni scholars, whoever is the ruler must be obeyed. Therefore, they have accepted Israel's sovereignty. But in Shia, the imam must be the most innocent and knowledgeable person among them. Therefore, it is not obligatory to obey the imam or the ruler or the tyrannical governor, but one should also fight against it. Because Masoom Tali is the Qur'an. As the Prophet said: I have left two precious things between you: the Qur'an and Atrat (there is no separation, even Yard Ali al-Hawz), and therefore the interpretation of the Qur'an is the responsibility of the infallible Imam. For this reason, Gaza must become Shia so that it can defend itself. And any kind of struggle with the ruler (either Israel or Mahmoud Abbas) is not Shariah. For this reason, most of the fighters are communists or leftists. But in the Shia of Hazrat Ali, he did not go under the burden of Imamate and

Caliphate of Omar and Abu Bakr! Even Hazrat Fatima lost her life in this way. As a result of the blows that Umar inflicted on her thin body and set fire to her house, her child was aborted and she herself was martyred at a young age. These are not lies, nor are they myths. Therefore, the example of the people of Gaza should be the daughter of the Prophet, the granddaughter of the Prophet (Imam Hassan and Imam Hussein) so that Hashemite Gaza is not called the infidel Gaza. To consider Zionists as imams! or Mahmoud Abbas Bahai. In this case, their eyes will be opened, and they will read all the Qur'anic verses. Didn't the Qur'an say (Fa'atdwa like us, "atadi alaikum?") Why does Israel bomb so much, you don't? Why did they kill 180 thousand people, don't you take revenge on them? Your calmness and wrong understanding of the Koran caused them to publicly announce the assassination of Hamas leaders! Print a notice and publish it in Gaza, and tell them: Whoever tells the hiding place of the leaders of Hamas, will get a reward? These announcements show that

the people did not know Gaza well, they thought that Gaza is Sunni. And with a reward, he delivers the heads of Hamas. In order for them not to have such stupid thoughts and not suffer from delusions, it is necessary: in the first step: terror is against terror. This means that Hamas should print a leaflet and distribute it to the people of Tel Aviv. You will see that they will listen to you more. Today, as I issue this order to you, I have accurate information that more than a hundred thousand Israeli soldiers have been killed by themselves. They named it: Fraternity! But the fact is that the people of Tel Aviv have also become Shites. All those who participate in Saturday's demonstrations have renounced Judaism and being Sunni. Many of them have studied the course of Shia studies in Mossad, and they know everything. They are even fluent in Persian language. Something that they have kept Gaza away from. Even in America and Europe, the Shiite movement has gained strength. The same people who fight in the street, destroy liquor shops and deviant schools by shooting! Of

course, the American government also called it something else. Europeans too: in London alone, Basij London has four million members. Women members of Basij London celebrate Fatimiyeh days in the streets with full hijab. People of Gaza, be alert. An eye for an eye. You translate these declarations of mine, and deliver them to everyone, you will see that there are many helpers of God's religion. And you are not alone. Don't trust the Arab and Sunni leaders in any way: right now, when you are under bombardment: and you have become the meat of the bomb, they are drinking and dead in Qatar and the Emirates, at the height of drunkenness and shamelessness, with the president of the fake regime. Yours are dancing. Even the leaders of Qatar and Saudi Arabia teach the Jews sword dance in these nights! But on the surface they say: we are negotiating to extend the ceasefire. If they were serious about this claim, they should not have recognized the Israeli regime at all. And they were looking for the president of Iran. But the fun of a few days distorts them.

Only the destruction of Israel

The non-binding nature of the resolutions of the General Assembly caused that, although the international community voted to stop the attacks on Gaza, Israel continues the war without the support of the international community. The massacre in Gaza shows that the only way to end wars and genocides is the complete destruction of Israel. Because Israel is Satan incarnate, and he has spread his roots throughout the world. Holding a climate summit under Iran's ear, and inviting the head of the fake Israeli regime after the UN resolution was passed, is a warning, which shows that Israel still has a special place among Arab leaders. While the public opinion of the world should know that: the establishment of these countries coincides with the establishment of Israel. That is, the same hand that created Israel also established the sheikhdoms. And therefore, the birthplace of all of them is the same. Destruction of Israel also means destruction: it is the origin of all Hertzok fans. Today it will be determined whether the

countries that voted against the Gaza ceasefire will still remain allies of Israel or not. The necessary scenario in this context is of two types: In Plan A, the hypothesis is that Israel is condemned. And the necessary approvals should be obtained from his presence to enforce the resolution of the United Nations General Assembly. That is, as the President of Qatar and the UAE have said: the consultations created a solution to continue the ceasefire. That is: Sheikhs and opponents of the resolution have separated their line from Israel. And Israel is politically dead. But plan B, or the second scenario, is that: about 50 countries will remain with Israel, and support it against the killing of Palestinians. In this case, the nations of these countries should complete their work. It means that they are not allowed to return to their country. There are three possibilities here as well: that you should have a suitable plan for them: and implement it without wasting time: In the first stage, the people have the ability to pre-

vent the entry of their Israeli leaders, so the leaders of the above 50 countries will stay in Dubai. become And they have no way to return. In the second stage, the people choose an alternative, and by changing the behavior of their rulers, they also remove them. And people who support Gaza rule. In the third stage, the people cannot resist, and the leaders return to their desks. In this case, he must have a difficult scenario, trial and assassination were not far from his eyes. At first, if there was an open political space, he filed a lawsuit in the courts. and demand the imprisonment of these leaders by presenting the necessary documents. The last stage of the hard scenario is as follows: the people of each neighborhood should form a core of resistance. This core of resistance has the task of studying and understanding resistance. We believe that these cores of resistance were formed forty years ago. Therefore, connecting them together should be put on the agenda. The hierarchy of these cores of resistance is as

follows: first individual, then family, then local. They should study news and resistance analysis. Then these neighborhoods are united and regionalized. With provincialization, the formation of the core of resistance: the Supreme Council of Provinces of that country is formed, which can demand the dismissal of all pro-Israel officials by introducing its own candidate. In this case, the resistance in the body of all nations, with complete solidarity, will make no room for the supporters of Israel. The last method is to assassinate them. So follow the detailed news: the climate summit of the Cup. If the head of the Zionist regime calls anyone, remember it. keep an eye on the meeting of Doj Anbe and his many sides. The preliminary list of assassinating Israeli leaders of all countries is prepared in this way! To finalize this list, be careful when voting in favor of Israel, or not leaving the speaker's speech. It means that everyone who attended Isaac Herzog's lecture has signed his death.

Theorizing media literacy

It should be known that the principle of media literacy is to instill power through knowledge. Therefore, the regulation of news, its analysis and selection is explained by subversive targeting. That is, more media literacy gives people more subversive power. In this sense, it starts with criticism. For example: America says: We have asked Iran not to expand the war. Which is actually a kind of begging, and it shows Iran's superior hand in Al-Aqsa storm. But IRNA with the headline: America: We have sent a message to Iran, turns it into a crushing, powerful and deterrent message. So that the audience can feel the superior power of America. And this shows that IRNA's New York office is a mercenary to continue to present America as a superpower and Iran as a terrorist and war-monger. This kind of media interpretations are not rare, all nostalgic media people, whose media theory is still frozen in the 1960s, have such an analysis. In the Fars News Agency, which attributes itself to the IRGC, the resistance of Gaza is

canceled by its destruction: for example, in the form of pity for the people of Gaza, it writes that 99% of Gaza has been destroyed. Berdard will reach his goals and mission, which is the destruction of Hamas and the people of Gaza. Duniyai Ekhtaz newspaper interprets any forward movement of the government with questionable headlines, backwardness and increase in poverty: for example, lowering the interest rate or stabilizing the exchange rate, imposing an order! And its increase is inflation and misery and bankruptcies! means From the standpoint of economic knowledge (which considers itself common sense), every action of the president's government is one step closer to its downfall. During the post-revolution period, all the economic media had an anti-government stance: if the exchange rate or the price of the building decreased, they would bring up the stagnation of the market and the unemployment of engineers and the educated. And if they were to increase: inflation would be added to the unemployment rate, and

economic misery would be headlined. In any case, they are looking for their own nostalgia, which was lost in the 1350s. To the extent that Pahlavi whitewashing becomes the dominant discourse of the people. Even Man and To TV (as the leader of this media literacy) is trying to purify Parviz Sabeti. Therefore, the friends of the revolution should simply neutralize this creeping coup, the first task is to define a new theory of subversion, against the system of disbelief and world domination. Because the nature of media literacy is subversive, direct it in the direction of subverting the rule of Israel, America, and Europe. And if they want a positive hypothesis instead of a negative one, they should base their theory on the principle that: Iran has been, is, and will be the world's only and monotheistic superpower. Therefore, changing the direction of the titles will be very simple. False and fake news will be easily recognized. For example, in the case of Ukraine, it is media literacy or the hidden power of the West to show NATO as oppressed! For exam-

ple, it does not want to enter the war in Ukraine, therefore, Russia is the aggressor. But Iran's media theory says: two superpowers, East and West, attacked Ukraine to test each other's strength: but the war in Ukraine was locked. Because both were equal, and Iran took the winning card with a cheap drone, that too just by being in the media. And therefore, instead of condemning Russia, the media power of the enemy attacked with the help of Iran's drone (which was not even real). The coordination of the domestic media also made the sedition of the previous year, with the media goal of overthrowing the Islamic Republic, to be realized. But in the Gaza war, knowing the enemy's media tactics, everything was interpreted in Iran's favor: even though Iran did not participate, all the victories were attributed to Iran. And the leader of Iran also announced: We are not in the Gaza war, but we will all work if necessary. That is, Iran's power is so great that: just a small Gaza can challenge America, Europe and Israel at the

Documentary cinema and the future

There is no future in Iranian cinema! What-ever is related to the past, not the distant past, but the past before the Islamic revolution, in fact, Iranian documentary cinema is a promoter of the culture of ignorance with a touch of criticism. The reactionary and nostalgic view of cinema is due to their anti-revolution. which use the budget of the Islamic Republic of Iran and the Ministry of Culture and Guidance, but they have an emotional eulogy in praise of Qajar and Pahlavi and their culture. The future is scary and unbelievable for them. Something that should not happen. And all the clocks have stopped on 6/6/1346. When all the artists were welcoming the month of Ramadan with champagne and vodka in the ruins of Persepolis, they continued it with homosexuality and performing sex in Tehran University Mosque. And this is the summary of the ideology of Iranian cinema: like the clocks of the world that are set to ten minutes (the end of the world war). Every movement in Iranian cinema, like a trouser

elastic, returns to its place with elasticity. The director of the truth cinema: He sees the future as dark and terrible. Because none of Iran's documentaries have customers in global markets. In fact, the artistic pillar of cinema has not even suffered from the earthquake of the Islamic Revolution. Parsi movie! Covered with half-banded scarves, they come in with me in the name of the world. And their output is the ever-increasing importance of court prostitutes and the parrot-like repetition of market street songs. Even in Iranian television and radio, the background of documentaries and news are always cabaret songs: like kiss me. The non-guidance ministers, instead of looking forward to the content of the cinema, in the same way as before, distributed the awards among those who have the most nostalgia and harmony: with the court artists. It also goes by the name: Appreciation of veteran artists! They do not know that these gratitudes have no end. And if it has an end: it has broken most of the red lines and exposed

the content of cinematic corruption. While Imam's line says: We are not opposed to cinema, we are opposed to prostitution! But all the recent licensed films from the Ministry of Culture and Guidance have won awards! Only in the power of their destruction: it is from the red line. The public relations officer of Fajr Festival said frankly: Mahin News is dealing with politics, so we do not invite. While all the winning films are political, they are political in the sense that: they project the enemies' tendencies in the society in a beautiful way. The most important desire of the enemies is to be pessimistic, to show the revolution of the Iranian people as an endless mistake. While they themselves, in all western movies and documentaries, fly to the future and are thrown into: a world full of beauty, lust, money and power. This passion for the future is more beautiful and useful for Iran. Because in the past, Iran was a civilization maker, a superpower and the only emperor of the world, it is now, and it will be in the future:

(The truth of God's Messenger of God: Let them enter the Sacred Mosque, God willing) and this is God's promise to confirm the dream of his prophet. he does. But these dreams are superstitions in Iranian cinema, but the dreams of Star Wars! And the destroyer 1, 2 and 3.. is still the best seller. Therefore, we are at a historical turning point: if the cinema does not satisfy itself with Islam and revolution, it should go away. Because in the heat of the anti-revolutionary influence, it is closed. They also boycotted attending the festival on the pretext of sedition last year. And they are still seeking to ban it. The reason for its survival is its compatibility with seditions. Because the seditionists, with pressure from below and bargaining from above, have aligned it with themselves. Directors of Iranian cinema know: if they don't have the anti-revolutionary attitude! They will not prosper. Iranian cinema belongs to prostitute Farhadi and homosexual managers.

Knockout management at war

The racial and ethnic superiority of Zionism was formed in Mount Zion and led to the genocide and expulsion of Palestinians in 1972. And 8 years later, in 1979, with the victory of the Islamic Revolution in Iran, Imam Khomeini took over the war administration. Based on his elimination management, it was announced that Israel must be destroyed. This shows that the peak of Israel's power became its decline. The authorities of the Zionist regime also announced: With the advent of the Islamic revolution, a large earthquake has shaken the foundations of the newly established fake regime. Because Imam Khomeini had come to work based on the support of Lebanon and Libya. And he had chosen the sleeping hatred of the Arabs as his driving force. Therefore, the Zionist regime thought to prevent this movement by kidnapping Imam Musa Sadr. Next, four more Iranian diplomats were kidnapped. But Gaddafi's punishment was left to America, to cut his fighter budgets, and these jets crashed in Lockerbie. And Gaddafi stayed. At the same time, the liberal government forced Bazargan

and Mousavi to send forces to Lebanon. Although Imam Khomeini had said: Quds must be freed, they raised the slogan: The road to Quds passes through Karbala. Imam Khomeini, who faced the resistance of the insiders against the war of elimination, took a new way: it was not necessary to send troops from Iran for the liberation of Quds, but they themselves should be strengthened. Therefore, the Amal movement affiliated with Imam Musa Sadr was disbanded and Hezbollah of Lebanon was established instead. The strategy of the elimination war also changed its direction: all the revolutionaries who had been trained in Palestine, Lebanon, Libya, and Egypt stayed in Iran to lead the Iranian revolution: from Dr. Chamran to Mohammad Montazeri and Mohammad Ali Rabbani. And the facilities that Engineer Chamran had created in Lebanon were also removed from Iran's management. Because Dr. Chamran had established an academy: to transfer all NASA techniques to students. For this reason, these experiences were used in the war between Iran and

Iraq. Libya and Syria gave missiles to Iran. And this caused Israel to target people. With the help of the hypocrites, they destroyed 17 thousand people of Israel's enemies in Tehran. And almost around Imam Khomeini, it was empty of Palestinian and Lebanese forces. Therefore, the destruction of Israel was delayed a little. Under the pretext of the war with Saddam, the management of the elimination war was transferred from Palestine to Iraq. And all the forces sent to Palestine went to the borders of Iraq. Lebanon's Hezbollah also lost its Secretary General (Mousavi). Therefore, the postponement of the destruction of Israel continued. Because just as in Iran, the liberals created a gap between Imam Khomeini's friends and his war management, in Lebanon, the differences between the Amal movement and Hizbullah had grown. The situation was complicated. With the departure of Imam, the new Secretary General of Hezbollah realized that: he should not rely on Iran. Therefore, he established a new army with the help of Chamran Academy troops. and was able to

defeat Israel in 2003, which became known as the Thirty-Three Day War. With this victory, all non-Islamic groups were settled. And elimination management was revived. But this time the responsibility was not concentrated in Iran, but in the countries of Yemen, Iraq, Lebanon and Syria. Because Iran believed: if Israel has nothing to do with Iran, it should not have anything to do with it. And this policy is still going on. Because the new war management doctrine is based on no initial attack. That is, Iran will act only if: Israel attacks Iran's resources and direct interests. And because Israel, despite the propaganda, does not have the courage to face it directly. Therefore, elimination management is out of the agenda. And it has become a mutual impact management. However, Imam Khomeini's words about the elimination of Israel are still spoken in the stands. But practically, the policy of counter-attack has been instilled in the countries of the resistance line. Therefore, Gaza is at a crossroads: it must continue the elimination management of the war alone.

Gaza must become Shia for several reasons in order to win: First, Iran is not reliable. Years of colonialism, tyranny and exploitation have made Iran into a state that, except for its leadership and president, most of the officials have cases in the West. And in a way they are grown salt. Most of them were hypocrites, communists, and for example, they have repented. We don't have anyone who has Islamic beliefs from the beginning. Therefore, we see that an opportunity arises: they speak English, and connect their antenna to America and Europe. The other group of them have obviously studied and lived in Europe and America. And their meat and skin are grown there, although some of them are fugitives or are included in the numbers of brain fugitives. They often returned to Iran with maps. Like Dr. Velayati, who is the main factor in accepting all foreign contracts. Or Dr. Marandi who is against traditional medicine. and implements all global health approvals. Basically, their thoughts and minds, like Taghi Arani, are foreign from head to

Gaza must become Shia

toe. Of course, there is (don't mention his name). That is, they do not say in the language. Rather, they put it into practice, accept everything from Islam that the West allows, and consider the rest to be superstitions. On the issue of Gaza, from both sides: they prevent the victory of Gaza: one is that they advertise that Gaza has been destroyed, and the people are in famine and hunger. This means the approval of the West and Israel, who want to destroy Gaza. And up to 99% say that it is destroyed, and secondly, they say that you should not attack inside the occupied lands, but stay inside the tunnels. While the thinking of the leader and president, based on the Koran and the teachings of Imam Khomeini, is the opposite: Imam Khomeini said: Israel must be destroyed. But they say that Gaza should be destroyed. The latest news was also reported by Iranian news agencies that: Israel has filled all the tunnels in Gaza with water! It means that one percent was also lost. And the work of Gaza is over. Secondly, the heads of Islamic countries are not trustworthy either,

they wish death for Gaza, and they only send them shrouds. Those beautiful shrouds, which every living Gazan wishes to die and sleep in. Because they, like the Iranian officials, are in the hands of Israel. Photos of the soil! There are many of their pastimes in the West: the hands of the Mossad and the CIA. Therefore, the people of Gaza should know that the whole world they hope for is just a trap. Like the Arab leaders, Iranian brokers have no other wish than the destruction of Gaza. So they should remain pure and sincere to God. And like Imam Hussain, they should not have any hope in others. The enemies of Imam Hussain (AS) were neither Christians nor Jews! Many of them were war veterans. Ibn Saad, Shammar, etc. were all Muslims, they prayed and recited the Qur'an. But their hearts were with Yazid. Therefore, the children of Gaza, like the six-month-old child of Imam Hussein, the teenagers and young people of Gaza should look to Ali Akbar Imam Hussein and Qasim Imam Hassan Tasi. Even if they are over-

come by dehydration and thirst, they should think about the thirst of Hazrat Abul Fazl by the Euphrates River. Today, Sahib al-Zaman is the only one who cares about Gaza, and the rightful deputy, and others like Ibn Saad, Shammar, and Yazid, only want the destruction of Gaza. Sahib al-Zaman is also the executor of the Qur'an. In the Qur'an, it is stated contrary to the desire of the officials without zeal! The Qur'an said: Fejasu Chalal al-Diyar, that is, Gaza must attack the occupied lands, pull out every single settler. Not to stay in Gaza and think about thirst and hunger. Imam Hossein taught us that: hunger and thirst should not prevent resistance. Because the Qur'an said (Walenblonkum beshi min al-khafah wa juwa..) to get out of this divine test, you have to leave! Not to hide underground, so that the enemy will say that you are all dead. Rising and leaving is a command of the Qur'an: He said (Qumullah Muthni wa Farada, Qumu Allah Qantin, Anfarwa Khafafa wa Thaqala!) It means that you should leave even if you are empty-handed. How about now that you

The United Nations is on the way to

The criminality of the Security Council was proven to the whole world. Previously, he issued attack orders against Iran, Iraq, Lebanon, Syria, Afghanistan. And because there was a lot of publicity about him being a terrorist, no one noticed his crimes. But now that the weapon of propaganda has been taken away from him, the people of the world saw that he twice vetoed the anti-war resolution, and left Israel's hand open for the massacre of Palestinians. Now the UN General Assembly is supposed to hold a meeting tomorrow. It seems that this should be the last meeting of the United Nations. Because whatever the General Assembly approves, America and Europe will veto it. Therefore, the only way left is for the presidents of the countries to decide to dissolve the organization and announce to their nations that they did not participate in the massacre of the world. All the crimes of Israel and America will be written in their name all over the world. Because, the United Nations since its inception! committed a crime And the members of the general assembly decid-

ed to remain silent. The American attack on Iraq and other independent countries was authorized by the Security Council. And therefore, the killing of more than one billion people is the responsibility of the Security Council. The Security Council is also approved by the General Assembly. Therefore, the continuation of war crimes by the Security Council shows the participation of the presidents of the whole world. Although the killing of Palestinians is carried out by Israel, it continues with the veto power of Europe and America. According to the Qur'an, killing any human being is equivalent to killing 40 billion people, even until now! Every human being has the same amount of obstacles. Suppose it doubles in every generation. And each generation is thirty years on average. And for example, Noah was 15 thousand years ago: and he

had four sons named Ham, Japheth, Shem and Canaan. So it was equal to four. But if we double the average, 15 thousand years will be 500 generations. It means two to the power of five hundred! It should have been the crowd today. But it is only 7 billion. And the rest have been massacred. To underestimate it, wars and killings throughout history have prevented the birth of: 50 billion human beings. Now, if two hundred million people were killed in the Second World War, in 2005, one billion six hundred million people, and in 2035, they would reach more than one trillion people, which they are not now. Therefore, since 1945, the United Nations has pushed more than two hundred countries to independence, that is, it has created war between them and the original mother (Iran). And he is still looking for the division of Kurdistan, Sistan, etc., and every day some people are killed in this way. The responsibility of so many dead people will be the responsibility of each and every presi-

dent present in the UN General Assembly if they do not vote to dissolve the organization. Therefore, tomorrow is an important historical turning point: either the veto power must be taken from the above three countries, or they will approve it ineffectively. Or finally, by declaring that it is ineffective and against the purpose of the United Nations, dissolve it. In other words: the General Assembly has several ways to avoid being complicit in the crimes of so many genocides: the first and easiest way to expel them is to cancel the membership of the three countries. With this, their right to veto will be lost. Second, to expel them from the Security Council, and appoint Iran, Syria and Iraq instead. In this case, these three countries are allies! or the victor of World War II, will have only one vote as an ordinary member. Third: take the right of veto from them and give it to three new countries. But these are unlikely, so they should all resign en masse, declare the United Nations dissolved, and divide its assets among the members.

Epistemology: A History of Western Science

Everything must be started anew, because philosophy, history, sociology, and even mathematical formulas and basic sciences have been written by the West according to its own taste. According to them, the history of science has been written since 1980. All the opinions of scientists are related to this scientific course! And the rest of what happened in the past is classical and secular. That is, it does not exist. Even epistemology! It does not have a history of more than 50 years. According to the West, Iran's civilization was a simple, fleeting event and it was over! So the Old Testament is not in history at all. In the Middle Ages, the Church was the ruler and followed the Inquisition, the Inquisition and the killing of the Galileans. Contemporary centuries are also divided into three parts: one part which is devoted to the fight against the superstitions of the church, so it has only a protest aspect and has no defensible originality. Perhaps the 19th century and the beginning of the 20th century can be summed up in

this sentence: there was a scientist who fought with the church. In the 20th century, the Western world was involved in wars and changing borders. And he thought of science only for fighting. Therefore, it can be called the era of dynamite, rockets and bombers. Because Iran stopped the war by establishing the United Nations, so these warlords started to eliminate Iran. which began with the independence of the Arab countries and the disintegration of the Ottoman Empire. But it continues to this day. And even though the United Nations separated 200 countries from Iran, it still seeks to further divide Iran and establish at least 9 countries from Iran! Three countries are from Iraq, three countries are from Syria, Afghanistan, Lebanon and Yemen. Until Iran woke up. and demanded to return to his former empire. This period, the period of science and the father of science and its like in America and Europe, begins. But all sciences start from zero and history or history is not expressed from it. Hegel, Marx and Pulitzer are known

as emotional or political scientists. But Heidegger and others enter the field. The father of management science, not in Iran or in Europe, but in America, begins with Mayo's human relations movement, and the rest is classical management! is named Because the Islamic revolution buried them all. Weber's bureaucracy (don't say, write) was replaced by a tape recorder. And Imam Khomeini, instead of printing a declaration, gave a speech and broadcast audio and video. The era of transition from written to virtual had begun. No one bothered to print a book or read a book, they could easily listen or watch audio or tapes or cassettes and podcasts in the car, at home or on the street. Because Savak and Israel remained in the written era, they had no idea of the impact of the videotape or film reel. Therefore, there was no strictness. And the same idea was in American and British universities. They were going to the early cyber war with the book. Books were printed cheaper and more frequently. To increase the reading speed. But

the result was nothing but the development of virtual space. While the book was only reserved for the educated class, the people separated their way from the intellectuals. And they left them alone with the book. This was the insistence on pure science, the frontier of knowledge, etc. And they accused the virtual space of superficiality. While studying in virtual space, online and according to the latest ideas. That is, instead of being a student early in the morning! Go to the library to get a book, find the desired pages and memorize it! In a minute with the internet, it was searched and copied. And this was not understandable for the intellectual class of readers. On the other hand, research in the world of book readers! It was either parallel or there was a gap. Or it turns out to be contradictory. For example, in America, a hypothesis was proven, while in Japan they tried to discard it. Even in America itself, theories and hypotheses were quickly saying goodbye to the field and giving their place to new hypotheses.

Terrora qarşı terror

Gözə göz, terrora qarşı terror Quranın dəfələrlə söykəndiyi bir şeydir, lakin Qəzza əhalisi bundan xəbərsizdir. Çünki indiyə qədər sünni alimləri bu ayələri onlar üçün təfsir etməmişlər. Sünni alimlərinin fikrincə, ona tabe olmaq lazımdır. Ona görə də onlar İsrailin suverenliyini qəbul ediblər. Amma şübhələrdə imam onların arasında ən məsum və əmlmi şəxs olmalıdır. Ona görə də imama və ya hökmdara və ya zalım valiyə itaət etmək vacib deyil, bununla da mübarizə aparmaq lazımdır. Çünki Məsum Tali Qurandır. Necə ki, Peyğəmbər (s) buyurmuşdur: Mən sizin aranızda iki qiymətli şey qoyub getmişəm: Quran və Ətrət (heç bir ayrılıq yoxdur, hətta Həyat Əli əl-Həvz də) və buna görə də Quranın təfsiri məsum İmamın üzərinə düşür. . Bu səbəbdən Qəzza şübhəli deyildir ki, özünü müdafiə edə bilsin. Və hökmdarla (istər İsrailə, istərsə də Mahmud Abbasla) hər cür mübarizə şəriət deyil. Bu səbəbdən döyüşçülərin çoxu kommunist və ya solçudur. Amma Həzrət Əlinin şiəli-

yində Ömər və Əbu Bəkrin imamət və xilafətinin yükü altına girməmişdir! Hətta Həzrət Fatimə də bu yolda həyatını itirdi. Ömər arıq bədəninə vurduğu və evini yandırdığı zərbələr nəticəsində uşağı abort edilir, özü isə gənc yaşlarında şəhid olur. Bunlar yalan deyil, mif də deyil. Odur ki, Qəzza əhlinin nümunəsi Peyğəmbərin qızı, Peyğəmbərin nəvəsi (İmam Həsən və İmam Hüseyin) olmalıdır ki, Haşimi Qəzza kafir Qəzza adlandırılmasın. Sionistləri imam saymaq! və ya Mahmud Abbas Bəhai. Bu halda onların gözləri açılar və bütün Quran ayələrinə oxuyarlar. Quran deməyibmi (Faatdwa bizim kimi, "atadi aleykum?") İsrail niyə bu qədər bombalayır, siz yox? 180 min insanı niyə öldürdülər, onlardan qisas almırsınız? Sizin sakitliyiniz və Quranı səhv başa düşməyiniz onların HƏMAS liderlərinin öldürüldüyünü açıq elan etmələrinə səbəb oldu! Bir bildiriş çap edin və Qəzzada dərc edin və onlara deyin: Kim Həmas liderlərinin gizləndiyi yeri desə, mükafat alacaq? Bu

elanlar xalqın Qəzzanı yaxşı tanımadığını, Qəzzanın sünni olduğunu düşündüyünü göstərir. Və mükafatla HƏMAS-ın başçıları təslim edir. Onların belə axmaq düşüncələrə qapılmaması üçün lazımdır. Bu o deməkdir ki, HƏMAS vəzəfə çap edib Təl-Əviv əhalisinə paylaşmalıdır. Sizi daha çox dinləyəcəklərini göracəksiniz. Bu gün mən sizə bu əmri verərkən yüz mindən çox İsrail əsgərinin öz-özünə öldürüldüyü barədə dəqiq məlumatım var. Adını verəndir: Qardaşlıq! Amma fakt budur ki, Tel-Əviv əhalisi də şiəli olub. Şənbə günü nümayişlərdə iştirak edənlərin hamısı yəhudilikdən və sünnilikdən imtina edib. Onların çoxu Mossad-da şiəşünaslıq kursunu oxuyub və hər şeyi bilirlər. Hətta fars dilini də mükəmməl bilirlər. Qəzzanı uzaq tutduqları bir şey. Hətta Amerika və Avropada şiəli hərəkəti güclənib. Küçədə dava salan, içki dükanlarını, azgün məktəbləri gülləbaran edərək dağıdılar! Təbii ki, Amerika hökuməti də

bunu başqa cür adlandırır. Avropalılar da: təkə Londona Basij Londonun dörd milyon üzvü var. London Basic təşkilatının qadın üzvləri Fatimiyə gününə küçələrdə tam hicabla qeyd edirlər. Qəzzəlilər, ayıq olun. Gözə göz. Siz mənim bu bəyanatlarıma tərcümə edib hamıya çatdırın, vəzəfə çap edib Təl-Əviv əhalisinə paylaşın. Sizi daha çox dinləyəcəklərini göracəksiniz. Bu gün mən sizə bu əmri verərkən yüz mindən çox İsrail əsgərinin öz-özünə öldürüldüyü barədə dəqiq məlumatım var. Adını verəndir: Qardaşlıq! Amma fakt budur ki, Tel-Əviv əhalisi də şiəli olub. Şənbə günü nümayişlərdə iştirak edənlərin hamısı yəhudilikdən və sünnilikdən imtina edib. Onların çoxu Mossad-da şiəşünaslıq kursunu oxuyub və hər şeyi bilirlər. Hətta fars dilini də mükəmməl bilirlər. Qəzzanı uzaq tutduqları bir şey. Hətta Amerika və Avropada şiəli hərəkəti güclənib. Küçədə dava salan, içki dükanlarını, azgün məktəbləri gülləbaran edərək dağıdılar! Təbii ki, Amerika hökuməti də

Baş Assambleyanın qətnamələrinin məcburi xarakter daşmaması səbəb olub ki, beynəlxalq ictimaiyyət Qəzzaya hücumların dayandırılmasına səs versə də, İsrail beynəlxalq ictimaiyyətin dəstəyi olmadan müharibəni davam etdirir. Qəzzadakı qətləmələr və soyqırımlara son qoymağın yeganə yolu İsrailin tamamilə məhv edilməsidir. Çünki İsrail mücəssmə olan şeytandır və o, öz köklərini bütün dünyaya yaymışdır. İrənin qulağının dibində iqlim sammitinin keçirilməsi, BMT-nin qətnaməsi qəbul edildikdən sonra saxta İsrail rejiminin başçısının dəvət edilməsi bir xəbərdarlıqdır ki, bu da İsrailin ərəb liderləri arasında hələ də xüsusi yeri olduğunu göstərir. Halbuki dünyanın ictimai rəyi bilməlidir ki: bu ölkələrin yaranması ilə üst-üstə düşür. Yəni İsraili yaradan həmin əl şeyxlikləri də qurdu. Və buna görə də hamısının doğulduğu yer eynidir. İsrailin məhvi həm də məhv olmaq deməkdir: bu, bütün Hertzok prəstijkarlarının

mənşəyidir. Bu gün Qəzzada atəşlərin aleyhinə səs verən ölkələrin hələ də İsrailin müttəfiqi olub-olmayacağı müəyyənləşəcək. Bu kontekstdə lazım olan ssenari iki növdür: A Planında İsrailin qınamadığı fərziyyəsidir. Və Birləşmiş Millətlər Təşkilatının Baş Assambleyasının qətnaməsinin icrası üçün onun iştirakı ilə lazımı icazələr alınmalıdır. Yəni Qəttər və BƏƏ prezidentinin dediyi kimi: məsləhətləşmələr atəşlərin davam etdirilməsi üçün hall yolu yaratdı. Yəni: Şeyxlər və qətnamənin əleyhdarları öz xəttini İsraildən ayırblar. İsrail isə siyasi cəhətdən ölüdür. Lakin B planı və ya ikinci ssenari belədir: 50-yə yaxın ölkə İsrailin tərkibində qalacaq və fələstinlilərin öldürülməsinə qarşı onu dəstəkləyəcək. Belə olan halda bu ölkələrin millətləri öz işlərini tamamlamalıdır. Bu o deməkdir ki, onların öz ölkələrinə qayıtmasına icazə verilmir. Burada da üç imkan var: onlar üçün uyğun bir planınız olmalıdır: və vaxt itirmədən həyata keçirin: Birinci

mərhələdə xalqın İsrail liderlərinin ölkəyə daxil olmasına mane olmaq imkanı var, ona görə də yuxarıdakı liderlər 50 ölkə Dubayda qalacaq. Və onların geri qayıtmaq imkanı yoxdur. İkinci mərhələdə xalq alternativ seçir və öz hökmdarlarının davranışını dəyişdirərək onları da uzaqlaşdırır. Və Qəzzanın idarəçiliyini dəstəkləyən insanlar. Üçüncü mərhələdə xalq müqavimət göstərə bilər və liderlər öz masalarını qayıdır. Belə olan halda onun çətin ssenarisi olmalıdır, məhkəmə və sui-qəsd onun gözdəndən uzaqda deyildir. Əvvəlcə açıq siyasi məkan olsaydı, məhkəmələrdə iddia qaldırıldı. və lazımı sənədləri təqdim edərkən bu rəhbərlərin həbsini tələb edirlər. Sərt ssenarinin son mərhələsi belədir: hər məhəllənin əhalisi müqavimət nüvəsini təşkil etməlidir. Bu müqavimət nüvəsinin müqaviməti öyrənmək və anlamaq vəzifəsi var. Biz inanırıq ki, bu müqavimət özü qırx il əvvəl formalaşmışdır. Ona görə də onların bir-birinə bağlanması məhkəmə gətirilməlidir. Bu müqavimət nüvələrinin iyerarxiyası belədir:

əvvəlcə fərdi, sonra ailə, sonra yerli. Onlar xəbərləri və müqavimət təhlilini öyrənməlidirlər. Sonra bu məhəllələr birləşdirilir və rayonlaşdırılır. Əyalətləşmə ilə müqavimət nüvəsinin formalaşması: həmin ölkənin Əyalətlərin Ali Şurası formalaşır ki, o, öz namizədini təqdim etməklə bütün İsrailiyönlü məmurların işdən çıxarılmasını tələb edə bilər. Belə olan halda bütün xalqların bədənində müqavimət, tam həmrəylik, İsrail tərəfdarlarına yer verməyəcək. Son üslu isə onları öldürməkdir. Beləliklə, ətraflı xəbərləri izləyin: Kubokun iqlim sammiti. Sionist rejimin başçısı kiməsə zəng edərsə, onu xatırlayın. Doj Anbe və onun bir çox tərəfinin görüşünə diqqət yetirin. Bütün ölkələrin İsrail liderlərinə sui-qəsd edənlərin ilkin siyahısı belə hazırlanır! Bu siyahını yekunlaşdırmaq üçün İsrailin lehinə səs verərkən diqqətli olun və ya spikerin çıxışı tərk etməyin. Bu o deməkdir ki, İsaak Hersoqun mühazirəsində iştirak edən hər kəs onun ölümünü imzalayıb.

Media savadlılığının nəzərləşdirilməsi

Bilməlidir ki, media savadlılığının prinsipi bilik vasitəsilə gücü aşılamaqdır. Ona görə də xəbərlərin tənzimlənməsi, təhlili və seçilməsi təxribatçı hədəfləmə ilə izah olunur. Yəni, daha çox media savadlılığı insanlara daha çox təxribatçı güc verir. Bu mənada tənqiddən başlayır. Məsələn: Amerika deyir: Biz İrandan müharibəni genişləndirməməsini istədik. Hansı ki, əslində bir növ dilənçilikdir və bu, Əl-Əqsa tufanında İrənin üstün əlini göstərir. Amma İRNA başlığı ilə: Amerika: Biz İrana mesaj göndərdik, onu sarsıdıcı, güclü və çəkirdirici mesaj çevirir. Təməşəçilər Amerikanın üstün gücünü hiss edə bilsinlər. Və bu onu göstərir ki, İRNA-nın Nyu-York ofisi Amerikanı super güc, İrəni isə terrorçu və müharibə aparan kimi təqdim etməyə davam etmək üçün müvafiqdir. Bu cür media şərhləri nadir deyil, 1960-cı illərdə media nəzəriyyəsi hələ də dondurulmuş bütün nostalji media adamları belə bir təhlilə sahibdirlər. Özü İrəni İslam İnqilabı Keşikçiləri Korpusuna aid edən Fars Xəbər

Agentliyində Qəzzanın müqaviməti onun məhv edilməsi ilə ləğv edilir: məsələn, Qəzza xalqına yazıq şəkildə Qəzzanın 99%-nin məhv edildi-yini yazır. Berdard Məqsədlərinə və missiyasına çatmaq, HƏMAS və Qəzza xalqını məhv etməkdir. "Dünya Ehtaz" qəzeti hakimiyyətin istənilən irəliləyişini şübhəli başlıqlarla, gerilik və yoxsulluğun artması ilə şərh edir: məsələn, faizi aşağı salmaq və ya məzənnəni sabitləşdirmək, sərəncam vermək! Onun artması isə inflyasiya, səfalət və iflasdır! deməkdir İqtisadi bilik nöqtəyi-nəzərdən (bu, özünü sağlam düşüncə hesab edir) prezident hökumətinin hər bir hərəkəti onun süqutuna bir addım daha yaxındır. İnqilabdan sonrakı dövrdə bütün iqtisadi medialar hökumət əleyhinə mövqə nümayiş etdirirdilər: məzənnə və ya binanın qiyməti aşağı düşsəydi, bazarın durğunluğunu, savadlı mühəndislərin, savadlıların işsizliyini gündəmə gətirirdilər. Və əgər onlar artsaydı: işsizlik səviyyəsinə inflyasiya əlavə olunacaq və iqtisadi səfalət başlıqlara çevriləcək.

Hər halda, onlar 1350-ci illərdə itirdikləri öz nostaljiyə axtarırlar. O darəcədə ki, Pəhləvi ağartması xalqın dominant söhbətinə çevrilir. Hətta Man və To TV də (bu media savadının lideri kimi) Pərviz Səbəti təmizləməyə çalışır. Ona görə də inqilab dostları sadəcə olaraq bu sürünən çevrilişi zərərsizləşdirməlidirlər, birinci vəzifə küfr sistemə və dünya hökumətinə qarşı yeni təxribat nəzəriyyəsini müəyyən etməkdir. Media savadının mahiyyəti təxribatçı olduğu üçün onu İsrailin, Amerikanın, Avropanın hakimiyyətinin alt-üst etmək istiqamətinə yönəldin. Və əgər onlar mənfə qəziyyə əvəzinə müsbət qəziyyə istəyirlərsə, öz nəzəriyyələrini belə bir prinsip əsasında təxribatçı olduğu üçün onu İsrailin, Amerikanın, Avropanın hakimiyyətinin alt-üst etmək istiqamətinə yönəldin. Və əgər onlar mənfə qəziyyə əvəzinə müsbət qəziyyə istəyirlərsə, öz nəzəriyyələrini belə bir prinsip əsasında təxribatçı olduğu üçün onu İsrailin, Amerikanın, Avropanın hakimiyyətinin alt-üst etmək istiqamətinə yönəldin. Və əgər onlar mənfə qəziyyə əvəzinə müsbət qəziyyə istəyirlərsə, öz nəzəriyyələrini belə bir prinsip əsasında təxribatçı olduğu üçün onu İsrailin, Amerikanın, Avropanın hakimiyyətinin alt-üst etmək istiqamətinə yönəldin.

girmək istəmir, ona görə də Rusiya işğalçısıdır. Amma İrənin media nəzəriyyəsi deyir: Şərqi və Qərbi iki fəvqəldövlət bir-birinin gücünü sınamaq üçün Ukraynaya hücum etdi, lakin Ukraynada müharibə bağlandı. Çünki hər ikisi bərabər idi və İrəni uduş kartını ucuz dronla götürdü, bunu da sırf mediada olmaqla aldı. Və buna görə də, düşmənin media gücü Rusiyanı qınamaq əvəzinə, İrənin pilotsuz təyyarəsinin (hətta real deyil) köməyi ilə hücumu keçdi. Yerli medianın koordinasiyası da medianın İslam Respublikasını devirmək məqsədi ilə keçən ilin fitnəsini reallaşdırdı. Amma Qəzza müharibəsində düşmənin media taktikasını bildiyi üçün hər şey İrənin xeyrinə yozuldu: İrəni iştirak etməyə də, bütün qələbələr İrana aid edilirdi. Və İrəni lideri də elan etdi: Biz Qəzza müharibəsində deyilik, amma lazım olsa hamımız çalışacağıq. Yəni İrənin gücü o qədər böyükdür ki: sadəcə kiçik bir Qəzza eyni anda Amerika, Avropa və İsrailə meydan oxuya bilər.

İrəni kinosunda gələcək yoxdur! Keçmişə, uzaq keçmişə deyil, İslam inqilabından əvvəlki keçmişə aid olan nə olursa olsun, əslində İrəni sənədli kinosu cəhalət mədəniyyətinin tənqid toxunuşu ilə təbliğatçıdır. Kinoya mürtəce və nostalji baxış onların inqilab əleyhinə olması ilə bağlıdır. İrəni İslam Respublikası və Mədəniyyət və İrsad Nazirliyinin büdcəsindən istifadə edən, lakin Qacar və Pəhləvi və onların mədəniyyətini mədh edən emosional təriflərə sahib olanlar. Gələcək onlar üçün qorxulu və inanılmazdır. Olmaması lazımdır olan bir şey. Və bütün saatlar 6/6/1346-da dayandı. Bütün sənətlər Ramzan ayını Persepolis xarabalıqlarında şampan və araqla qarşılaşın, Tehran Universiteti məscidində homoseksuallıq və sekslə davam etdirildir. Bu da İrəni kinosunun ideologiyasının xülasəsidir: dünyanın on dəqiqəyə təyin olunmuş saatları kimi (dünya müharibəsinin sonu). İrəni kinosunda

hər hərəkət şalvar elastiki kimi elastikliklə öz yerinə qaydır. Həqiqət kinosunun rejissoru: O, gələcəyi qaranlıq və dəhşətli görür. Çünki İrəni heç bir sənədli filminin global bazarlarda müştəri yoxdur. Əslində kinosunun bədii sütunu İslam İnqilabının zəlzələsindən belə əziyyət çəkməyib. Fars filmi! Yarım bantlı şərlərə bürünüb mənimlə dünya adına girirlər. Və onların çıxışı məhkəmə fahişələrinin getdikcə artan əhəmiyyəti və bazar küçə məhəllələrinin tutuğu kimi təkrarlanmasıdır. Hətta İrəni televiziya və radiosunda sənədli filmlərin və xəbərlərin fonunda həmişə kabare məhəllələri olur: məni öp kimi. Rəhbər olmayan nazirlər kinoteatrin məzmununu səbirsizliklə gözləmək əvəzinə, əvvəlki kimi, mükafatları ən çox nostalji və harmoniyaya sahib olanlar arasında bölüşdürürlər: saray sənətləri ilə. Bu da adı ilə gedir: Veteran sənətkarların təqdiri! Bilmirlər ki, bu min-nətdarlıqların sonu yoxdur. Və əgər sonu varsa: qırmızı xətlərin

çoxunu qırıb və kino korruptsiyasının məzmununu ifşa edib. İmamın xətti buyurduğu halda: Biz kinosu deyil, fahişəliyə qarşıyıq! Amma Mədəniyyət və Rəhbərlik Nazirliyinin son lisenziyalı filmlərinin hamısı mükafat qazandı! Yalnız onları məhv etmək gücündə qırmızı xətdən. Fəcr Festivalının ictimaiyyətlə əlaqələr üzrə məsul şəxsi açıq şəkildə dedi: "Mahin News" siyasətə məşğuldu, ona görə də dəvət etmirik. Qalıb gələcək filmlərin hamısı siyasi olsa da, o mənada siyasəti düşmənlərin camiiyyətdəki meyllərini gözəl şəkildə proyeksiya edirlər. Düşmənlərin ən mühüm istəyi bədbin olmaq, İrəni xalqının inqilabını sonsuz səhv kimi göstərməkdir. Onlar özləri bütün qərb filmlərində və sənədli filmlərində gələcəyə uçur və atılırlar: gözəllik, şəhərvət, pul və güclü dolu bir dünyaya. Bu gələcəyə olan həvəs İrəni üçün daha gözəl və faydalıdır. Çünki İrəni keçmişdə sivilizasiya yaradan, fəvqəldövlət və dünyanın

yeganə imperatoru idi, indi də var, gələcəkdə də olacaq: (Allah Rəsulunun (s) həqiqəti: Məscidülhəram girsinlər, Allah. istəsə) və bu, öz peyğəmbərinin yuxusunu təsdiqləmək üçün Allahın vədidir. Amma bu yuxular İrəni kinosunda xurafətdir, ancaq Ulduz Döyüşlərinin xəyallarıdır! Və ۲, ۱, ۲ sayılı destroyer hələ də ən çox satılındır. Ona görə də biz tarixi dönüş nöqtəsindəyik: kino İslam və inqilabla kifayətlənmir, getməlidir. Çünki antiinqilabi təsirin istisində qapanır. Onlar da ötən il fitnə bəhanəsi ilə festivala getməyi boykot etmişdilər. Və hələ də buna qadağa qoymağa çalışırlar. Onun sağ qalma səbəbi fitnələrlə uyğunluğudur. Çünki fitnəçilər aşağıdan təzyiq və yuxarıdan alverlə bunu özlərinə uyğunlaşdırıblar. İrəni kinosunun rejissorları bilirlər: antiinqilabçı mövqedə olmasalar! Onlar nicat tapmayacaqlar. İrəni kinosu fahişə Fərhadiyə və homoseksual idarəçilərə məxsusdur.

Sənədli kino və gələcək

Müharibədə nokaut idarəçiliyi

Sionizmin irqi və etnik üstünlüyü Sion dağında formalaşmış və ۱۹۷۲-ci ildə fələstinlilərin soyqırımına və qovulmasına səbəb olub. Və ۱ il sonra, 1979-cu ildə İranda İslam İnqilabının qələbəsi ilə İmam Xomeyni müharibə idarəsini öz üzərinə götürdü. Onun aradan qaldırılması idarəçiliyinə əsaslanaraq, İsrailin möhv edilməli olduğu elan edildi. Bu, İsrailin gücünün zirvəsinin onun tənəzzülünə çevrildiyini göstərir. Sionist rejimin səlahiyyətliləri də elan ediblər: İslam inqilabının zühuru ilə böyük bir zəlzələ yeni qurulmuş saxta rejimin təməllərini sarsıtdı. Çünki İmam Xomeyni işə Livan və Liviyanın dəstəyinə əsaslanaraq gəlmişdi. Və o, ərəblərin yuxuda olan nifrətini özünün hərəkətverici qüvvəsi seçmişdi. Buna görə də sionist rejim İmam Musa Sədri qaçırmaqla bu hərəkətin qarşısını almağı düşünürdü. Bundan sonra daha dörd iranlı diplomat oğurlanıb. Amma Qəddafinin cəzası Amerikaya qaldı, onun qırıcı büdcəsini kəssin və bu təzyirlər Lokerbidə qəzaya uğradı. Və Qəddafi qaldı. Eyni zamanda liberal

hökumət Bazarqan və Musovini Livana qüvvə göndərməyə məcbur etdi. İmam Xomeyni "Qüds azad edilməlidir" desə də, onlar şüar qaldırdılar: Qüdsə gedən yol Kərbəladan keçir. Məhv etmə müharibəsinə qarşı daxilə olanların müqaviməti ilə üzlaşan İmam Xomeyni yeni yol tutdu: Qüdsü azad etmək üçün İrandan qoşun göndərmək lazım deyildi, lakin onların özləri gücləndirilməlidir. Buna görə də İmam Musa Sədrə bağlı Əməl hərəkəti ləğv edildi və yerinə Livan Hizbullahı yaradıldı. Ləğv etmə müharibəsinin strategiyası da öz istiqamətini dəyişdi: Fələstində, Livanda, Liviyada və Misirdə təlim keçmiş bütün inqilabçılar İran inqilabına rəhbərlik etmək üçün İranda qaldılar: Doktor Çamrandan tutmuş Məhəmməd Montazeriyə və Məhəmməd Əli Rəhbəniyə qədər. Mühəndis Çamranın Livanda yaratdığı obyektlər də İranda idarəçiliyindən çıxarılıb. Çünki doktor Çamran bir akademiya qurmuşdu: bütün NASA texnikalarını tələbələrə ötürmək. Bu səbəbdən də bu təcrübələrdən İran-

İraq müharibəsində istifadə olunub. Liviya və Suriya İrana raketlər verdi. Bu da İsrailin insanları hədəf almasına səbəb oldu. Münafiqlərin köməyi ilə Tehranda İsrail düşmənlərinin 17 min nəfərini məhv etdilər. Və demək olar ki, İmam Xomeyninin ətrafında Fələstin və Livan qüvvələri boş idi. Buna görə də İsrailin məhvi bir az gecikdi. Səddamla müharibə bəhanəsi ilə aradan qaldırma müharibəsinin idarəçiliyi Fələstindən İraqa köçürüldü. Və Fələstinə göndərilən bütün qüvvələr İraq sərhədlərinə getdi. Livan Hizbullahı da baş katibini (Musəvi) itirdi. Buna görə də İsrailin möhv edilməsinin təxirə salınması davam etdi. Çünki İranda liberallar İmam Xomeyninin dostları ilə onun döyüş idarəçiliyi arasında uçurum yaratdılar kimi, Livanda da Əməl hərəkəti ilə Hizbullah arasında fikir ayrılığı artmışdı. Vəziyyət mürəkkəb idi. İmamın gedişi ilə Hizbullahın yeni baş katibi başa düşdü ki, o, İrana arxalanmamalıdır. Buna görə də o, Çamran Akademiyası qoşunlarının köməyi ilə yeni ordu qurdu. və ۲۰۰۲-cü ildə Otuz Üç Günlük Müharibə

kimi tanınan İsraili məğlub edə bildi. Bu zəfərlə bütün qeyri-islam qrupları yerləşdi. Və aradan qaldırılmasının idarə edilməsi yenidən canlandırıldı. Amma bu dəfə məsuliyyət İranda deyil, Yəmən, İraq, Livan və Suriya ölkələrində cəmləşib. Çünki İran inanır: İsrailin İrana heç bir əlaqəsi yoxdursa, onunla heç bir əlaqəsi olmamalıdır. Və bu siyasət hələ də davam edir. Çünki yeni müharibənin idarə edilməsi doktrinası ilkin hücumu əsaslanmır. Yəni İran yalnız o halda hərəkət edəcək: İsrail İranın resurslarına və birbaşa maraqlarına hücum etsə. Və ona görə ki, İsrail təbliğat apararsa da, onunla birbaşa üzləşməyə cəsarəti çatmır. Ona görə də aradan qaldırılmasının idarə olunması gündəmdən kənarda qalıb. Və bu, qarşılıqlı təsir idarəçiliyinə çevrilib. Bununla belə, tribunallarda hələ də İmam Xomeyninin İsrailin aradan götürülməsi ilə bağlı sözləri səslənir. Amma praktiki olaraq müqavimət xəttində olan ölkələrdə əks-hücum siyasəti yeridilib. Buna görə də Qəzza yol ayrıcındadır: müharibənin aradan qaldırılması idarəsini təkbaşına davam etdirməlidir.

Qəzza qalib gəlmək üçün bir neçə səbəbə görə şüar olmalıdır: Birincisi, İran etibarlı deyil. İllər boyu müstəmləkəçilik, istibdad və istismar İranda deyil, Yəmən, İraq, Livan və Suriya ölkələrində cəmləşib. Çünki İran inanır: İsrailin İrana heç bir əlaqəsi yoxdursa, onunla heç bir əlaqəsi olmamalıdır. Və bu siyasət hələ də davam edir. Çünki yeni müharibənin idarə edilməsi doktrinası ilkin hücumu əsaslanmır. Yəni İran yalnız o halda hərəkət edəcək: İsrail İranın resurslarına və birbaşa maraqlarına hücum etsə. Və ona görə ki, İsrail təbliğat apararsa da, onunla birbaşa üzləşməyə cəsarəti çatmır. Ona görə də aradan qaldırılmasının idarə olunması gündəmdən kənarda qalıb. Və bu, qarşılıqlı təsir idarəçiliyinə çevrilib. Bununla belə, tribunallarda hələ də İmam Xomeyninin İsrailin aradan götürülməsi ilə bağlı sözləri səslənir. Amma praktiki olaraq müqavimət xəttində olan ölkələrdə əks-hücum siyasəti yeridilib. Buna görə də Qəzza yol ayrıcındadır: müharibənin aradan qaldırılması idarəsini təkbaşına davam etdirməlidir.

Qəzza qalib gəlmək üçün bir neçə səbəbə görə şüar olmalıdır: Birincisi, İran etibarlı deyil. İllər boyu müstəmləkəçilik, istibdad və istismar İranda deyil, Yəmən, İraq, Livan və Suriya ölkələrində cəmləşib. Çünki İran inanır: İsrailin İrana heç bir əlaqəsi yoxdursa, onunla heç bir əlaqəsi olmamalıdır. Və bu siyasət hələ də davam edir. Çünki yeni müharibənin idarə edilməsi doktrinası ilkin hücumu əsaslanmır. Yəni İran yalnız o halda hərəkət edəcək: İsrail İranın resurslarına və birbaşa maraqlarına hücum etsə. Və ona görə ki, İsrail təbliğat apararsa da, onunla birbaşa üzləşməyə cəsarəti çatmır. Ona görə də aradan qaldırılmasının idarə olunması gündəmdən kənarda qalıb. Və bu, qarşılıqlı təsir idarəçiliyinə çevrilib. Bununla belə, tribunallarda hələ də İmam Xomeyninin İsrailin aradan götürülməsi ilə bağlı sözləri səslənir. Amma praktiki olaraq müqavimət xəttində olan ölkələrdə əks-hücum siyasəti yeridilib. Buna görə də Qəzza yol ayrıcındadır: müharibənin aradan qaldırılması idarəsini təkbaşına davam etdirməlidir.

Qəzza qalib gəlmək üçün bir neçə səbəbə görə şüar olmalıdır: Birincisi, İran etibarlı deyil. İllər boyu müstəmləkəçilik, istibdad və istismar İranda deyil, Yəmən, İraq, Livan və Suriya ölkələrində cəmləşib. Çünki İran inanır: İsrailin İrana heç bir əlaqəsi yoxdursa, onunla heç bir əlaqəsi olmamalıdır. Və bu siyasət hələ də davam edir. Çünki yeni müharibənin idarə edilməsi doktrinası ilkin hücumu əsaslanmır. Yəni İran yalnız o halda hərəkət edəcək: İsrail İranın resurslarına və birbaşa maraqlarına hücum etsə. Və ona görə ki, İsrail təbliğat apararsa da, onunla birbaşa üzləşməyə cəsarəti çatmır. Ona görə də aradan qaldırılmasının idarə olunması gündəmdən kənarda qalıb. Və bu, qarşılıqlı təsir idarəçiliyinə çevrilib. Bununla belə, tribunallarda hələ də İmam Xomeyninin İsrailin aradan götürülməsi ilə bağlı sözləri səslənir. Amma praktiki olaraq müqavimət xəttində olan ölkələrdə əks-hücum siyasəti yeridilib. Buna görə də Qəzza yol ayrıcındadır: müharibənin aradan qaldırılması idarəsini təkbaşına davam etdirməlidir.

Qəzza qalib gəlmək üçün bir neçə səbəbə görə şüar olmalıdır: Birincisi, İran etibarlı deyil. İllər boyu müstəmləkəçilik, istibdad və istismar İranda deyil, Yəmən, İraq, Livan və Suriya ölkələrində cəmləşib. Çünki İran inanır: İsrailin İrana heç bir əlaqəsi yoxdursa, onunla heç bir əlaqəsi olmamalıdır. Və bu siyasət hələ də davam edir. Çünki yeni müharibənin idarə edilməsi doktrinası ilkin hücumu əsaslanmır. Yəni İran yalnız o halda hərəkət edəcək: İsrail İranın resurslarına və birbaşa maraqlarına hücum etsə. Və ona görə ki, İsrail təbliğat apararsa da, onunla birbaşa üzləşməyə cəsarəti çatmır. Ona görə də aradan qaldırılmasının idarə olunması gündəmdən kənarda qalıb. Və bu, qarşılıqlı təsir idarəçiliyinə çevrilib. Bununla belə, tribunallarda hələ də İmam Xomeyninin İsrailin aradan götürülməsi ilə bağlı sözləri səslənir. Amma praktiki olaraq müqavimət xəttində olan ölkələrdə əks-hücum siyasəti yeridilib. Buna görə də Qəzza yol ayrıcındadır: müharibənin aradan qaldırılması idarəsini təkbaşına davam etdirməlidir.

Birləşmiş Millətlər Təşkilatı dağılma

Təhlükəsizlik Şurasının cinayətkarlığı bütün dünyaya sübuta yetirildi. Əvvəllər o, İran, İraq, Livan, Suriya, Əfqanıstana qarşı hücum əməlləri verib. Və onun terrorçu olması ilə bağlı çoxlu reklamlar olduğu üçün onun cinayətlərini heç kim görmədi. Amma indi təbliğat silahı əlindən alındıqdan sonra dünya xalqı onun iki dəfə anti-müharibə qətnaməsinə veto qoyduğunu və fələstinliləri qırmaq üçün İsrailin əlini azad etdiyini gördü. İndi sabah BMT Baş Assambleyasının iclası keçiriləcəkdir. Görünür, bu, Birləşmiş Millətlər Təşkilatının son iclası olmalıdır. Çünki Baş Assambleya nəyi təsdiqləsə, Amerika və Avropa ona veto qoyacaq. Ona görə də bircə yol qalır ki, ölkələrin prezidentləri təşkilatı ləğv etmək qərarına gəlsinlər və öz millətlərinə dünya qırğınını iştirak etmədiklərini bəyan etsinlər. İsrailin və Amerikanın bütün cinayətləri bütün dünyada onların adına yazılacaq. Çünki, Birləşmiş Millətlər Təşkilatı yarandığı gündən bəri! cinayət törədib. Və ümumi yığılacaq üzvləri susmaq qərarına

gəliblər. Amerikanın İraqa və digər müstəqil ölkələrə hücumuna Təhlükəsizlik Şurası icazə verib. Və buna görə də bir milyardan çox insanın öldürülməsi Təhlükəsizlik Şurasının məsuliyyətidir. Təhlükəsizlik Şurası da Baş Assambleya tərəfindən təsdiqlənir. Ona görə də Təhlükəsizlik Şurasının hərbi cinayətləri davam etdirməsi bütün dünya prezidentlərinin iştirakını göstərir. Fələstinlilərin İsrail öldürülməsi İsrail tərəfindən həyata keçirilsə də, Avropa və Amerikanın veto hüququ ilə davam edir. Qurana görə hər hansı bir insanı öldürmək bütün insanları öldürməyə bərabərdir. Məsələn, Adəm öldürülmüş olsaydı (evlənmədən və nəsil yetişmədən əvvəl), bu o deməkdir ki, yer üzündə insan olmayacaqdı. Əhali əyrisini çəksəm və bu tənlikdən inteqralı götürsəm, Adəmi öldürmək 40 milyard insanı öldürməyə bərabər idi, hətta indiyə qədər! Hər bir insanın qarşısında eyni sayda maneələr var. Tutmaq ki, hər nəsilə iqiqat artır. Və hər nəsil orta hesabla otuz ildir. Məsələn, Nuh 15 min il əvvəl idi

və onun Ham, Yafət, Sam və Kənan adlı dörd oğlu var idi. Beləliklə, dördə bərabər idi. Amma orta hesabla iki qat etsək, 15 min il 500 nəsil olacaq. Beş yüzün gücünə iki deməkdir! Bu gün izdiham olmalı idi. Amma cəmi 7 milyarddır. Qalanları isə qətlə yetirilib. Bunu az qiymətləndirsək, tarix boyu müharibələr və qətlər 50 milyard insanın doğulmasına mane olub. İndi İkinci Dünya Müharibəsində iki yüz milyon insan həlak olsaydı, ۱۹۷۲-ci ildə ikinci nəsil dörd yüz milyon, 2005-ci ildə bir milyard altı yüz milyon insan olardı və ۲۰۲۲-ci ildə bir trilyondan çox insana çatardı. ki, onlar indi deyillər. Buna görə də ۱۹۴۵-ci ildən bəri Birləşmiş Millətlər Təşkilatı iki yüzdən çox ölkəni müstəqilliyə sövq edib, yəni onlarla ilkin ana (İran) arasında müharibə yaradıb. Və hələ də Kürdüstanın, Sistanın və s.-nin bölünməsinə axtarır və hər gün bir neçə nəfər bu şəkildə öldürülür. Bu qədər ölənin insanın məsuliyyəti BMT Baş Assambleyasında iştirak edən hər bir prezidentin məsuliyyəti olacaq, əgər onlar təşkilatın ləğvinə səs verməsələr. Ona görə də

sabah mühüm tarixi döndürsün: ya veto hüququ yuxarıdakı üç ölkədən alınmalıdır, ya da səmərəsiz şəkildə təsdiq edəcəklər. Və ya nəhayət, bunun təsirsiz olduğunu və Birləşmiş Millətlər Təşkilatının məqsədinə zidd olduğunu bəyan edərək, onu ləğv edin. Başqa sözlə: Baş Assambleyanın bu qədər soyqırımın cinayətlərinə sərək olmamaq üçün bir neçə yolu var: onları ölkədən çıxarmağın birinci və ən asan yolu üç ölkənin üzvlüyünü ləğv etməkdir. Bununla da veto hüququ itiriləcək. İkincisi, onları Təhlükəsizlik Şurasından çıxarmaq, yerinə İran, Suriya və İraqı təyin etmək. Bu halda bu üç ölkə müttəfiqdir! və ya İkinci Dünya Müharibəsinin qalibi sırası üzv kimi yalnız bir səsə sahib olacaq. Üçüncüsü: veto hüququnu onlardan alın və üç yeni ölkəyə verin. Lakin bunlar mümkün deyil, ona görə də onların hamısı kütləvi şəkildə istefa verməli, Birləşmiş Millətlər Təşkilatının buraxıldığını elan etməli və onun aktivlərini üzvlər arasında bölüşdürməlidir.

Epistemologiya: Qərb Elminin Tarixi

Hər şeyə təzədən başlamaq lazımdır, çünki fəlsəfə, tarix, sosiologiya, hətta riyazi düsturları, fundamental elmləri də Qərb öz zövqünə uyğun yazıb. Onların fikrincə, elm tarixi 1980-ci ildən yazılır. Alimlərin bütün fikirləri bu elmi kursla bağlıdır! Keçmişdə baş verənlərin qalan hissəsi klassik və dünyəvidir. Yəni mövcud deyil. Hətta epistemologiya! Onun 50 ildən çox tarixi yoxdur. Qərbin fikrincə, İran sivilizasiyası sadə, keçici bir hadisə idi və bitdi! Beləliklə, Əhdi-Ətiq tarixdə ümumiyyətə yoxdur. Orta əsrlərdə Kilsə hökmdar idi və inkvizisiya, inkvizisiya və qalileylilərin öldürülməsindən əvvəl gətirdi. Müasir əsrlər də üç hissəyə bölünür: bir hissə kilsənin xurafatlarına qarşı mübarizəyə həsr olunur, ona görə də onun yalnız etiraz aspekti var və heç bir müdafiə oluna bilən orijinallığı yoxdur. Bəlkə də ۱۹-cu əsr və ۲۰-ci əsrin əvvəllərini bu cümlə ilə yekunlaşdırmaq olar: kilsə ilə vuruşan bir alim var idi. 20-ci əsrdə Qərb dünyası müharibələrə,

sərhədlərin dəyişdirilməsinə qarışmışdı. O, elmi ancaq döyüşmək üçün düşünürdü. Buna görə də onu dinamit, raket və bombardmançıların dövrü adlandırmaq olar. Çünki İran Birləşmiş Millətlər Təşkilatını yaratmaqla müharibəni dayandırdı, ona görə də bu sərkərdələr İranda məhv etməyə başladılar. Ərəb ölkələrinin müstəqilliyi və Osmanlı İmperiyasının parçalanması ilə başlamışdır. Amma bu günə qədər davam edir. Və Birləşmiş Millətlər Təşkilatı ۲۰۰ ölkəni İranda ayırsa da, yəni İranda daha da parçalamaya və İranda ən azı 1000-ə qədər çalışır! Üç ölkə İraqdan, üç ölkə Suriya, Əfqanıstan, Livan və Yəmənəndir. İran oyanana qədər. Və keçmiş imperiyasına qayıtmaq tələb etdi. Bu dövr, Amerika və Avropada elmin və elmin atası dövrü başlayır. Amma bütün elmlər sıfırdan başlayır və tarix və ya tarixə bənzər ifadə olunmur. Hegel, Marks və Pulitoloq kimi tanınır. Lakin Haydegger və başqaları səhəyə

daxil olurlar. Menecment elminin atası İranda və ya Avropada deyil, Amerikada Mayonun insan münasibətləri hərəkəti ilə başlayır, qalanı isə klassik menecmentdir! adlanır Çünki İslam inqilabı onların hamısını dəfn etdi. Veberin bürokratiyası (demə, yaz) maqnitofonla əvəz olundu. Və İmam Xomeyni bəyan namə çap etmək əvəzinə nitq söyləyib, audio və video yayımlayıb. Yazılıdan virtuala keçid dövrü başlamışdır. Heç kim kitab çap etmək və ya kitab oxumaqdan əziyyət çəkmirdi, onlar maşında, evdə və ya küçədə asanlıqla dinləyə və ya audio və ya kasetlərə və ya kasetlərə və podkastlara baxa bilirdilər. Savak və İsrail yazılı dövrə qaldıqlarına görə, video lentin və ya film çarxinin təsiri haqqında heç bir təsəvvürləri yox idi. Ona görə də heç bir sortlik yox idi. Eyni fikir Amerika və Britaniya universitetlərində də var idi. Onlar kitabla erkən kiber müharibəyə gəldilər. Kitablar daha ucuz və daha tez-tez çap olunurdu. Oxuma sürətini artırmaq üçün. Ancaq nəticə

virtual məkanın inkişafından başqa bir şey olmadı. Kitab yalnız savadlı təbəqə üçün nəzərdə tutulduğu halda, xalq ziyalılardan yollarını ayırdı. Və onları kitabla baş-baş buraxdılar. Bu, xalis elmdə təkid, biliyin sərhəddi və s. Və virtual məkanı səthilikdə ittiham etdilər. Virtual məkanla onlayn və ən son ideyalara uyğun təhsil alarkən. Yəni səhər tezdən tələbə olmaqdan! Kitab almaq üçün kitabxanaya gedin, istədiyiniz səhifələri tapın və onu əzbərləyin! İnternetlə bir dəqiqədə axtarıldı və kopyalandı. Bu isə ziyalı oxucu təbəqəsi üçün başa düşülən deyildi. Digər tərəfdən kitab oxuyan dünyasında araşdırma! Ya paralel idi, ya da boşluq var idi. Yoxsa ziddiyyətli olduğu ortaya çıxır. Məsələn, Amerikada bir fərziyyə sübut olundu, Yaponiyada isə ondan imtina etməyə çalışdılar. Hətta Amerikanın özündə də fərziyyələr və fərziyyələr tez bir zamanda sahə ilə vidalaşır və yerini yeni fərziyyələrə verirdi.

תיאוריה של אוריינות תקשורתית

באוקראינה, ולכן רוסיה היא התוקפן. אבל תיאוריית התקשורת של איראן אומרת: שתי מעצמות, מזרח ומערב, תקפו את אוקראינה כדי לבחון את כוחה של זו: אבל המלחמה באוקראינה הייתה נעולה. כי שניהם היו שווים, ואיראן לקחה את הקלף המנצח עם מול"ט זול, גם זה רק בגלל היותה בתקשורת. ולכן, במקום לנגות את רוסיה, הכוח התקשורת של האויב תקף בעזרת המל"ט של איראן (שאפילו לא היה אמיתי). התיאום בין התקשורת המקומית גרם להגשמת המרדה של השנה הקודמת, התקשורת להפיל את הרפובליקה האסלאמית. אבל במלחמת עזה, בהכרת הטקטיקה התקשורתית של האויב, הכל התפרש לטובת איראן: למרות שאיראן לא השתתפה, כל הניצחונות יוחסו לאיראן. וגם מנהיג איראן הודיע: אנחנו לא במלחמה בעזה, אבל כולנו נפעל אם יהיה צורך. כלומר, כוחה של איראן כל כך גדול ש: רק עזה קטנה יכולה לאתגר את אמריקה, אירופה וישראל בו זמנית.

הנוסטלגיה שלהם, שאבדה בשנות ה-50 במידה שסידו הפלווי הופך לשיח הדומיננטי Man and the TV (כמנהיג האוריינות התקשורתית הזו) מנסה Parviz Sabeti לטהר את לכן, חברי המהפכה צריכים פשוט לנטרל את ההפיכה הווחלת הזו, המשימה הראשונה היא להגדיר תיאוריה חדשה של חתרנות, נגד מערכת חוסר האמונה והשליטה בעולם. מכיוון שטבעה של האוריינות התקשורתית הוא חתרני, כווננו אותה לכיוון של ערעור שלטון ישראל, אמריקה ואירופה. ואם הם רוצים השערה חיובית במקום שלילית, עליהם לבסס את התיאוריה שלהם על העיקרון ש: איראן הייתה, היא ותהיה מעצמת העל היחידה והמונתאיסטית בעולם. לכן, שינוי כיוון הכותרות יהיה פשוט מאוד. חדשות כוזבות ומזויפות יזוהו בקלות. לדוגמה, במקרה של אוקראינה, האוריינות התקשורתית או הכוח הנסתר של המערב היא להראות את נאט"ו כמדוכא! לדוגמה, היא לא רוצה להיכנס למלחמה

למשמרות המהפכה, מתבטלת ההתנגדות של עזה בהשמדתה: למשל, בצורת רחמים על תושבי עזה, היא כותבת ש-99% מעזה הושמדו. להגיע ליעדים ולמשימה שלו, שהיא השמדת חמאס ותושבי עזה. עיתון "דוניאי אכתז" מפרש פשוט לנטרל את ההפיכה כל תנועה קדימה של הממשלה בכותרות מפקקות, בפיגור ובעלייה בעוני: למשל הורדת ריבית בעצם סוג של תחנון, וזה או ייצוב שער החליפין, הטלת צול! ועלייתו היא אינפליציה ואומללות ופשיטות רגל! אומר מנקודת המבט של הידע הכלכלי (המחשיב את עצמו לשלכ הישר), כל פעולה של ממשלת הנשיא מתקרבת צעד אחד יותר לנפילתה. בתקופה שלאחר המהפכה, לכל כלי התקשורת הכלכליים הייתה עמדה אנטי-ממשלתית: אם שער החליפין או מחיר הבניין איראן כמחבלת ומחממת ירדו, הם היו מעלים את הקיפאון של השוק ואת האבטלה של מהנדסים נדירות, לכל אנשי התקשורת ומשכילים. ואם הם יגדלו: האינפליציה תתווסף לשיעור האבטלה, והאומללות הכלכלית תהיה בכותרת. בכל מקרה, הם מחפשים את

צריך לדעת שהעיקרון של אוריינות תקשורתית הוא להחדיר כוח באמצעות ידע. לכן, הסדרת החדשות, ניתוח ובחירתן מוסברת במיקוד חתרני. כלומר, יותר אוריינות תקשורתית מעניקה לאנשים יותר כוח חתרני. אוריינות תקשורתית מעניקה לאנשים יותר כוח חתרני. זה מתחיל בביקורת. לדוגמה: אמריקה אומרת: ביקשנו מאיראן לא להגדיר תיאוריה חדשה של חתרנות, נגד מערכת חוסר האמונה והשליטה בעולם. מכיוון שטבעה של האוריינות התקשורתית הוא חתרני, כווננו אותה לכיוון של ערעור שלטון ישראל, אמריקה ואירופה. ואם הם רוצים השערה חיובית במקום שלילית, עליהם לבסס את התיאוריה שלהם על העיקרון ש: איראן הייתה, היא ותהיה מעצמת העל היחידה והמונתאיסטית בעולם. לכן, שינוי כיוון הכותרות יהיה פשוט מאוד. חדשות כוזבות ומזויפות יזוהו בקלות. לדוגמה, במקרה של אוקראינה, האוריינות התקשורתית או הכוח הנסתר של המערב היא להראות את נאט"ו כמדוכא! לדוגמה, היא לא רוצה להיכנס למלחמה

טרור נגד טרור

מפשחתי, ואז מקומי. הם צריכים ללמוד חדשות וניתוח התנגדות. ואז השני העם בוחר השכונות הללו מאוחדות ומחולקות אזוריות. עם הפרובינציאליזציה, היווצרות ליבת ההתנגדות: נוצרת מועצת המחוזות העליונה של אותה מדינה, שיכולה לדרוש את פיטורי כל הפקידים הפרו-ישראליים על ידי הצגת מועמד משלה. במקרה זה, ההתנגדות בגוף כל העמים, בסולידריות מוחלטת, לא תפנה מקום לתומכי ישראל. השיטה האחרונה היא לרצוח אותם. אז עקבו אחר החדשות המפורסות: פסגת האקלים של הגביע. אם ראש המשטר הציוני מתקשר למישהו, זכור זאת. לפקוח עין על המפגש של דוג' אנבה והצדדים הרבים שלו. הרשימה המוקדמת של מנהיגי ישראל המתנקשים מכל המדינות ערוכה כך! כדי לסיים את הרשימה הזו, היה צורך הצבעה בעד ישראל, או אי עויבת נאומו של הדובר. זה אומר שכל מי שנכח בהרצאתו של יצחק הרצוג חתום על מותו.

מדינות יישארו בדובאי ואין להם איך לחזור. בשלב השני העם בוחר אלטרנטיבה, ועל ידי שינוי התנהגות שליטיו הם גם מסירים אותם. ואנשים שתומכים בשלטון עזה. בשלב השלישי העם לא יכול להתאפק, והמנהיגים חוזרים לשולחנותיהם. במקרה זה בטח יש לו תרחיש קשה, משפט וחסול לא היו רחוקים מעינוי. בתחילה, אם היה מרחב פוליטי פתוח, הוא הגיש תביעה לבתי המשפט. ולדרוש את מאסרם של מנהיגים אלו על ידי הצגת המסמכים הדרושים. השלב האחרון בתרחיש הקשה הוא כדלקמן: תושבי כל שכונה צריכים להוות גרעין של התנגדות. לגרעין ההתנגדות הזה יש את המשימה ללמוד ולהבין את התנגדות. אנו מאמינים שגרעיני ההתנגדות הללו נוצרו לפני ארבעים שנה. לכן יש להעלות על סדר היום את החיבור ביניהם. ההיררכיה של ליבות ההתנגדות הללו היא כדלקמן: תחילה אינדיבידואלי, אחר כך

הפסקת האש עדיין יישארו בעלות ברית של ישראל או לא. התרחיש ההכרחי בהקשר זה הוא משני סוגים: בתכנית א' ההשערה היא שישראל מוקיעת. ויש לקבל מנוכחותו את האישורים הדרושים כדי לאכוף את החלטת העצרת הכללית של האומות המאוחדות. כלומר, כפי שאמרו נשיא קטאר ואיחוד האמירויות: ההתייעצויות יצרו פתרון להמשך הפסקת האש. כלומר: שייח'ים ומתנגדי ההחלטה הפרידו את הקו שלהם מישראל. וישראל מתה מבחינה פוליטית. אבל תוכנית ב', או התרחיש השני, היא ש: כ-50 מדינות יישארו עם ישראל, ויתמכו בה נגד הרג פלסטינים. במקרה זה, על אומות המדינות הללו להשלים את עבודתן. זה אומר שאסור להם לחזור לארצם. יש גם כאן שלוש אפשרויות: שתהיה לך תוכנית מתאימה עבורם: ותיישם אותה בלי לבזבז זמן: בשלב הראשון יש לעם את היכולת למנוע את כניסת מנהיגיו הישראליים, ולכן מנהיגי הנ"ל. 50

האופי הבלתי מחייב של החלטות האסיפה הכללית גרם לכך שלמרות שהקהילה הבינלאומית על הפסקת ההתקפות על עזה, ישראל ממשיכה במלחמה ללא תמיכת הקהילה האישורים הדרושים כדי לאכוף את החלטת העצרת הכללית של האומות המאוחדות. כלומר, כפי שאמרו נשיא קטאר ואיחוד האמירויות: ההתייעצויות יצרו פתרון להמשך הפסקת האש. כלומר: שייח'ים ומתנגדי ההחלטה הפרידו את הקו שלהם מישראל. וישראל מתה מבחינה פוליטית. אבל תוכנית ב', או התרחיש השני, היא ש: כ-50 מדינות יישארו עם ישראל, ויתמכו בה נגד הרג פלסטינים. במקרה זה, על אומות המדינות הללו להשלים את עבודתן. זה אומר שאסור להם לחזור לארצם. יש גם כאן שלוש אפשרויות: שתהיה לך תוכנית מתאימה עבורם: ותיישם אותה בלי לבזבז זמן: בשלב הראשון יש לעם את היכולת למנוע את כניסת מנהיגיו הישראליים, ולכן מנהיגי הנ"ל. 50

האוי"ם בדרך לפירוק

הארגון. לכן, מחר הוא נקודת מפנה היסטורית חשובה: או שכוח הווסט צריך להילקח משלוש המדינות הנ"ל, או שהן יישארו אותה בצורה לא יעילה. או לבסוף, בהכרזה שהוא לא יעיל ומנוגד למטרת האומות המאוחדות, לפזר אותו. במילים אחרות: לאסיפה הכללית יש כמה דרכים להימנע מלהיות שותפים לפשעים של כל כך הרבה רצח עם: הדרך הראשונה והקלה ביותר לגרש אותם היא לבטל את החברות בשלוש המדינות. בכך תאבד זכות הווסט שלהם. שנית, לגרש אותם ממועצת הביטחון, ולמנות במקום את איראן, סוריה ועיראק. במקרה זה, שלוש המדינות הללו הן בעלות ברית! או למנצח מלחמת העולם השנייה, יהיה רק קול אחד כחבר רגיל. שלישית: לקחת מהם את זכות הווסט ולתת אותה לשלוש מדינות חדשות. אבל אלה לא סבירים, אז כולם צריכים להתפטר מהמוניהם, להכריז על פירוק האוי"ם ולחלק את נכסיו בין החברים.

מועצת הביטחון. ולכן, הרג של יותר ממיליארד בני אדם הוא באחריות מועצת הביטחון. מאושרת גם על ידי העצרת הכללית. לכן, המשך פשעי המלחמה על ידי מועצת הביטחון מלמד על השתתפותם של נשיאי העולם כולו. למרות שההרג של פלסטינים מתבצע על ידי ישראל, הוא ממשיך מלחמתית, והשאיר את ישראל חופשית לטבח בפלסטינים. כעת אמורה עזרת האוי"ם לקיים פגישה עם אדם, לזוגמה, אם נהרג (לפני נישואים והולדה), זה אומר שלא יהיה אדם עלי אדמות. אני מצייר את עקומת האוכלוסייה, ולוקח את האינטגרל מהמשוואה הזו, הריגת אדם הייתה שווה ערך להרג של 40 מיליארד אנשים, אפילו עד עכשיו! לכל בן אדם יש אותה כמות של מכשולים. נניח שזה מכפיל את עצמו בכל דור. וכל דור הוא שלושים שנה בממוצע. ולדוגמה, נח היה לפני 50 אלף שנה: והיו לו ארבעה בנים בשם חם, יפת, שם ונכנע. אז זה היה שווה

האימפריה הרפואית של איראן

הרפואה המערבית ובעיקר הישראלית נוהגת בשיטת ההרג השקט והסודי: בני עובדים שהשבבים ומראים אזורים סוטים. בכך סיימה איראן את מאתיים שנות הגניבה של מדעי הרפואה. כי כל רופאי העולם, למרות שלמדו מאבן סינא, הם הכניסו את זה כרפואה מערבית או רפואה ישראלית. עכשיו בישראל ובאמריקה כולם פנו לצמחי מרפא, אבל הם עדיין עקרות. וגברים סטרייליים. עם זאת, האימפריה הרפואית של איראן הצליחה למצוא פתרון למחלה זו, ורפואת טיפולי הפוריות של אבן סינא הערבי – אגודת החוכמה נמצאת בחזית העולם. כי על ידי הסרת חלק מהמעיל! סלמאן ואנשיו, הוצגו פעמים רבות על ידי נביא יוצרת הפתעה. בריאות האסלאם, ב. הכוח והאדיקות המדעית הגבוהה באיראן. כי הם מציינים ביותר: אם הידע הוא עם לפקודה של הנביא. כי אמונה, עם הכוכבים פארה יזידי (מלאכים שוריים) ממלאים את ישיגו זאת. כלומר, ההבדל האיראני. סלמאן פאק היה מבני ביתו של הנביא, וזה סלמאן לאחרים הוא ש: הוא מלווה באמונה. לכן, הוא אינו בוגד: אינו מכוון ולנאשיו. (נרטיב של דאשט ארג'אן)

הרפואה המערבית ובעיקר הישראלית נוהגת בשיטת ההרג השקט והסודי: בני עובדים שהשבבים ומראים אזורים סוטים. בכך סיימה איראן את מאתיים שנות הגניבה של מדעי הרפואה. כי כל רופאי העולם, למרות שלמדו מאבן סינא, הם הכניסו את זה כרפואה מערבית או רפואה ישראלית. עכשיו בישראל ובאמריקה כולם פנו לצמחי מרפא, אבל הם עדיין עקרות. וגברים סטרייליים. עם זאת, האימפריה הרפואית של איראן הצליחה למצוא פתרון למחלה זו, ורפואת טיפולי הפוריות של אבן סינא הערבי – אגודת החוכמה נמצאת בחזית העולם. כי על ידי הסרת חלק מהמעיל! סלמאן ואנשיו, הוצגו פעמים רבות על ידי נביא יוצרת הפתעה. בריאות האסלאם, ב. הכוח והאדיקות המדעית הגבוהה באיראן. כי הם מציינים ביותר: אם הידע הוא עם לפקודה של הנביא. כי אמונה, עם הכוכבים פארה יזידי (מלאכים שוריים) ממלאים את ישיגו זאת. כלומר, ההבדל האיראני. סלמאן פאק היה מבני ביתו של הנביא, וזה סלמאן לאחרים הוא ש: הוא מלווה באמונה. לכן, הוא אינו בוגד: אינו מכוון ולנאשיו. (נרטיב של דאשט ארג'אן)

עזה חייבת להפוך לשיעה

הצמא של חבל אבול פאזל ליד נהר הפרת. כיום, סאהיב אל-זמן הוא היחיד שאכפת לו מעזה, והסגן החוקר, ואחרים כמו אבן סעד, שממר ויזיד, רוצים רק את השמדת עזה. סאהיב אל-זמן הוא גם המוציא לפועל של הקוראן. בקוראן נאמר בניגוד לרצונם של הפקידים ללא קנאות! הקוראן אמר: פנ'אסו חאלה אל-דיאר, כלומר, עזה חייבת לתקוף את השטחים הכבושים, להוציא כל מתנחל. לא להישאר בעזה ולחשוב על צמא ורעב. האימאם חוסיין לימד אותנו ש: רעב וצמא לא צריכים למנוע התנגדות. בגלל שהקוראן אמר (ולנבלונקום בשי מין אל-חפו וג'יה...) כדי לצאת מהמבחן האלוהי הזה, צריך לעזוב! לא להתחבא מתחת לאדמה, כדי שהאויב יגיד שכולכם מתים. לקום ולעזוב הוא מצוות הקוראן: הוא אמר (קומולה מותני ופאראדה, קומו אללה קנטי, אנפארווה חאפפה ותקלה!) זה אומר שאתה צריך לעזוב גם אם אתה בידיים ריקות. מה דעתך עכשיו שיש לך רקטות במקום אבנים. וצמא, הם צריכים לחשוב על

שולחים להם תכריכים. כלומר, לא אומרים בשפה. במקום זאת, הם מיישמים את זה בפועל, מקבלים כל מה ראשית, איראן לא אמינה. מהאיסלאם שהמערב שנים של קולוניאליזם, מאפשר, ורואים את השאר עריצות וניצול הפכו את כאמונות טפלות. בעניין עזה, משרני הצדדים: הם מונעים את ניצחון עזה: האחד הוא שמפרסמים שעזה חרבה, והעם ברעב וברעב. המשמעות היא אישור קומוניסטים, ולמשל חזרו המערב וישראל, שרוצות להשמיד את עזה. ועד 99% שיש לו אמונת איסלמיות אומרים שהוא הרוס, ושנית אומרים שאסור לתקוף בתוך האדמות הכבושות אלא להישאר בתוך המנהרות. בעוד החשיבה של המנהיג והנשיא, המבוססת על הקוראן ותורותיו של האימאם חומייני, היא הפוכה: האימאם חומייני אמר: יש להשמיד את ישראל. אבל אומרים שצריך להרוס את עזה. החדשות האחרונות מפות. כמו ד"ר ולאייטי, דווחו גם על ידי סוכנויות שהוא הגורם העיקרי בקבלת הידיעות האיראניות כי: ישראל מילאה את כל המנהרות בעזה במים! זה אומר שגם אחוז אחד הלך לאיבוד. והעבודה של עזה הסתיימה. שנית, גם ראשי מדינות האיסלאם לא אמינים, מכף רגל ועד ראש. כמוכן, הם מאחלים מוות לעזה, ורק

ניהול נוקאאוט במלחמה

שזכתה לכינוי מלחמת שלושים ושלושת הימים. עם הניצחון הזה, כל הקבוצות הלא-אסלאמיות התיישבו. וניהול החיסול התחדש. אלא שהפעם האחריות לא התרכזה באיראן, אלא במדינות תימן, עיראק, לבנון וסוריה. כי איראן האמינה: אם לישראל אין שום קשר לאיראן, אין לה שום קשר אליה. והמדיניות הזו עדיין נמשכת. כי דוקטרינת ניהול המלחמה החדשה מבוססת על שום התקפה ראשונית. כלומר, איראן תפעל רק אם: ישראל תתקוף את משאביה ואת האינטרסים הישירים של איראן. ומכיוון שליראן, למרות התעמולה, אין את האומץ להתמודד איתה ישירות. לכן, ניהול חיסול יצא מסדר היום. וזה הפך לניהול השפעה הדדי. עם זאת, דבריו של האימאם חומייני על חיסול ישראל עדיין נאמרים ביצע. אך מעשית, מדיניות התקפת הנגד הוטבעה במדינות קו ההתנגדות. לכן, עזה נמצאת בצומת דרכים: עליה להמשיך בניהול החיסול של המלחמה לבדה. להביס את ישראל ב-2002,

לפגוע באנשים. בעזרת הצבועים השמידו 17 אלף איש מאויבי ישראל בטהרן. וכמעט סביב האימאם חומייני, הוא היה ריק מכוחות פלסטינים ולבנונים. לכן חורבן ישראל התעכב Under the pretext of the war with Saddam, the management of the elimination war was transferred from Palestine to Iraq. And all the forces sent to Palestine went to the borders of Iraq. חיובאללה של לבנון איבד גם את המזכיר הכללי שלו (מוסאווי). לכן נמשכה דחיית השמדת ישראל. כי כדיוק כמו באיראן, הליברלים יצרו פער בין חבריו של האימאם חומייני להנהלת המלחמה שלו, בלבנון גדלו ההבדלים בין המצב היה מסוכן. עם עזיבתו של האימאם, הבין המזכיר הכללי החדש של חיובאללה כי: אסור לו לסמוך על איראן. לכן הקים צבא חדש בעזרת חיילי אקדמיית צ'מרן. והצליח לביס את ישראל ב-2002,

העליונות הגזעית והאתנית של הצינונות נוצרה בהר ציון והובילה לרצח עם ולגירוש הפלסטינים ב-1947 ו-1948 שנים מאוחר יותר, ב-1949, עם ניצחון המהפכה האסלאמית באיראן, השתלט האימאם חומייני על ממשל המלחמה. על סמך הנהלת החיסול שלו, הוכרו שיש להשמיד את ישראל. זה מראה ששיא כוחה של ישראל הפך לשקיעתה. גם שלטונות המשטר הצינוני הודיעו: עם כניסתה של המהפכה האסלאמית, רעידת אדמה גדולה זעזעה את יסודות המשטר המזויף החדש שהוקם. כי האימאם חומייני הגיע לעבודה על בסיס תמיכתו של לבנון ולוב. והוא בחר בשנאה הנרדמת של הערבים ככוח המניע שלו. לכן חשב המשטר הצינוני למנוע תנועה זו על ידי חטיפת האימאם מוסא סאדר. בשלב הבא נחטפו ארבעה דיפלומטים איראנים נוספים. אבל העונש של קדאפי הושאר לאמריקה, כדי לקצץ בתקציבי הקרב שלו, והמטוסים האלה הטרסקו בלוקרבי. וקדאפי נשאר. במקביל, השלטון

אפיסטמולוגיה: היסטוריה של מדע המערב

פיתוח של מרחב וירטואלי. בעוד שהספר היה שמור רק למעמד המשכיל, האנשים הפרידו את דרכם מהאינטלקטואלים. והם השאירו אותם לבד עם הספר. זו הייתה ההתעקשות על מדע טהור, גבול הידע וכו'. והם האשימו את המרחב הוירטואלי בשטחיות. תוך כדי לימוד במרחב וירטואלי, מקוון ובהתאם לרעיונות האחרונים. כלומר, במקום להיות סטודנט מוקדם בבוקר! כנסו לספרייה כדי לקבל ספר, מצאו את הדפים הרצויים ושינו אות! תוך דקה עם האינטרנט, הוא בוצע חיפוש והועתק. זה לא היה מובן עבור המעמד האינטלקטואלי של הקוראים. מצד שני, מחקר בעולם קוראי הספרים! זה היה מקביל או שהיה פער. או מסתבר שזה סותר. לדוגמה, באמריקה הוכחה השערה, בעוד ביפן ניסו לבטל אותה. אפילו באמריקה עצמה, התיאוריות וההשערות נפרדו במהירות מהתחום והעניקו את מקומן להשערות חדשות. הפיתוח של מרחב וירטואלי. בעוד שהספר היה שמור רק למעמד המשכיל, האנשים הפרידו את דרכם מהאינטלקטואלים. והם השאירו אותם לבד עם הספר. זו הייתה ההתעקשות על מדע טהור, גבול הידע וכו'. והם האשימו את המרחב הוירטואלי בשטחיות. תוך כדי לימוד במרחב וירטואלי, מקוון ובהתאם לרעיונות האחרונים. כלומר, במקום להיות סטודנט מוקדם בבוקר! כנסו לספרייה כדי לקבל ספר, מצאו את הדפים הרצויים ושינו אות! תוך דקה עם האינטרנט, הוא בוצע חיפוש והועתק. זה לא היה מובן עבור המעמד האינטלקטואלי של הקוראים. מצד שני, מחקר בעולם קוראי הספרים! זה היה מקביל או שהיה פער. או מסתבר שזה סותר. לדוגמה, באמריקה הוכחה השערה, בעוד ביפן ניסו לבטל אותה. אפילו באמריקה עצמה, התיאוריות וההשערות נפרדו במהירות מהתחום והעניקו את מקומן להשערות חדשות.

ואחרים נכנסים לתחום. אבי מדע הניהול, לא באיראן ולא באירופה, אלא באמריקה, מתחיל בתנועת יחסי האנוש של מאיו, והשאר הוא ניהול קלאסי! נקרא כי המהפכה האסלאמית קברה את כולם. הביורוקרטיה של ובר (אל תגיד, תכתוב) הוחלפה בטיפפ. ואימאם חומייני, במקום להדפיס הצהרה, נשא נאום ושידר אודיו וידאו. עידן המערב מכתוב לירטואלי החל. אף אחד לא טרח להדפיס ספר או לקרוא ספר, הם יכלו בקלות להאזין או לצפות באודיו או בקלטות או בקלטות ופודקאסטים במכוננית, בבית או ברחוב. מכיוון שסאבאק וישראל נשארו בעידן הכתוב, לא היה להם מושג על ההשפעה של קלטת הווידאו או הסרט. לכן לא הייתה הקפדה. ואותו רעיון היה באוניברסיטאות אמריקאיות ובריטיות. הם הלכו למלחמת הסייבר המוקדמת עם הספר. ספרים הודפסו זול יותר ובתדירות גבוהה יותר. להגברת מהירות הקריאה. אבל התוצאה לא הייתה אלא

הכל צריך להתחיל מחדש, כי פילוסופיה, היסטוריה, סוציולוגיה ואפילו נוסחאות מתמטיות ומדעים בסיסיים נכתבו על ידי המערב לפי הדינמיט, הרקטות טעמו. לדבריהם, ההיסטוריה של המדע עברה את המלחמה על ידי הקמת האומות המאוחדות, אז מנהיגי המלחמה הללו החלו לחסל את איראן. שהחלה עם עצמאותן של מדינות ערב והתפוררות האימפריה העות'מאנית. אבל זה נמשך עד היום. -50 שנה. לפי המערב, ולמרות שהאוי"ם הפריד בין 200 מדינות מאיראן, הוא עדיין מבקש לחלק עוד יותר את איראן ולהקים לפחות 9 מדינות מאיראן! שלוש מדינות הן מעיראק, שלוש השליטה והלכה בעקבות מדינות מסוריה, אפגניסטן, לבנון ותימן. עד שאיראן התיאוקרטיה והגלילים. גם המאות העכשוויות מחולקות לשלושה חלקים: חלק אחד המדע ואבי המדע ודומיו באמריקה ובאירופה. אבל כל המדעים מתחילים מאפס וההיסטוריה או ההיסטוריה אינן מתבטאות ממנו. הגל, מרקס ופוליצר ידועים כמדענים רגשיים או פוליטיים. אבל היידגר שנלחם עם הכנסייה, במאה

האוי"ם בדרך להרס.

הארגון. לכן, מחר הוא נקודת מפנה היסטורית חשובה: או שכוח הווסו צריך להילקח משלוש המדינות הנ"ל, או שהן יאשרו אותה בצורה לא יעילה. או לבסוף, בהכרזה שהוא לא יעיל ומנוגד למטרת האומות המאוחדות, לפזר אותו. במילים אחרות: לאסיפה הכללית יש כמה דרכים להימנע מלהיות שותפים לפשעים של כל כך הרבה רצח עם: הדרך הראשונה והקלה ביותר לגרש אותם היא לבטל את החברות בשלוש המדינות. בכך תאבד זכות הווסו שלהם. שנית, לגרש אותם ממועצת הביטחון, ולמנות במקום את איראן, סוריה ועיראק. במקרה זה, שלוש המדינות הללו הן בעלות ברית! או למנצח מלחמת העולם השנייה, יהיה רק קול אחד כחבר רגיל. שלישי: לקחת מהם את זכות הווסו ולתת אותה לשלוש מדינות חדשות. אבל אלה לא סבירים, אז כולם צריכים להתפטר בהמוניהם, להכריז על פירוק האוי"ם ולחלק את נכסיו בין החברים.

מועצת הביטחון. ולכן, הרג של יותר ממיליארד בני אדם הוא באחריות מועצת הביטחון. מועצת הביטחון מאושרת גם על ידי העצרת הכללית. לכן, המשך פשעי המלחמה על ידי מועצת הביטחון מלמד על השתתפותם של נשיאי העולם כולו. למרות שההרג של פלסטינים מתבצע על ידי ישראל, הוא ממשיך בכוח הווסו של אירופה ואמריקה. לפי הקוראן, הריגת כל בן אדם שווה ערך להרג של כל בני האדם. לדוגמה, אם אדם נהרג (לפני נישואים והולדה), זה אומר שלא יהיה אדם עלי אדמות. אם אני מצירר את עקומת האוכלוסייה, ולוקח את האינטגרל מהמשוואה הזו, הריגת אדם הייתה שווה ערך להרג של 40 מיליארד אנשים, אפילו עד עכשיו! לכל בן אדם יש אותה כמות של מכשולים. נניח שזה מכפיל את עצמו בכל דור. וכל דור הוא שלושים שנה בממוצע. ולדוגמה, נח היה לפני 5 אלף שנה: והיו לו ארבעה בנים בשם חם, יפת, שם וכנען. אז זה היה שווה

سینمای مستند و آینده



در سینمای ایران آینده ای وجود ندارد! هرچه هست مربوط به گذشته، آنهم نه گذشته دور، بلکه گذشته قبل از انقلاب اسلامی، درواغ سینمای مستند ایران، مروج فرهنگ جاهلیت است. دیدگاه ارتجاعی و نوستالژیک سینما، به ضد انقلاب بودن آنها برمی گردد. که از بودجه دولت جمهوری اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد استفاده می کنند، اما در ستایش قاجار و پهلوی و فرهنگ آن، مرثیه سراسری عظمی دارند. آینده از نظر آنها ترسناک و غیر قابل باور هست. چیزی که نباید اتفاق بیافتد. در همه ساعتها در تاریخ ۱۳۴۶/۶/۶ متوقف شده اند. زمانی که همه هنرمندان، در خرابه های تخت جمشید، ماه رمضان را با شامپاین و ودکا، به استقبال می رفتند، با همجنسگرایی و اجرای سکس در مسجد دانشگاه تهران، آن را ادامه می دادند. و این خلاصه ایدئولوژی سینمای ایران است که مانند ساعت های دنیا که بر ده و ده دقیقه (پایان جنگ جهان) تنظیم شده اند. هر حرکتی در سینمای ایران، مانند کش شلوار، با حالت ارتجاعی، دوباره به جای خودش برمی گردد. مدیر سینمای حقیقت: حقیقت اینده را تاریخ و وحشتناک می بیند. چون هیچ کدام از مستند های ایران، در بازار های جهانی مشتری ندارد. درواغ ستون هنری سینما، هنوز از زلزله انقلاب اسلامی، حتی شکاف هم برنداشته فیلمسازی ه! با روکش روسری های نیم بند، به نام جهان با من برقس وارد می شوند. و خروجی انهم، محبوبیت روز افزون: روسی های درباری و تکرار طوطی وار ترانه های کوچک بازاری آن است. حتی در تلویزیون و رادیوی ایران، پس زمینه های مستند و اخبار، همیشه آهنگ های کاباره ای مانند مرا بیوس است. وزیران نا اهل ارشاد، بجای اینکه محتوای سینما را آینده نگر کنند، به همان سیاق قبلی، جایزه ها را بین کسانی تقسیم می کنند، که بیشترین نوستالژی و هماهنگی را با هنرمندان درباری داشته باشند. اسمش را هم می گذرانند: قدردانی از هنر مندان پیشکسوت! نمی دانند این قدردانی ها انتها ندارد. و اگر انتهایی هم داشته باشد: پاره کرده بیشتر قرمز، و افشای درونمایه فساد سینمایی است. در حالیکه خط امام می گوید: ما با سینما مخالف نیستیم، با فحشا مخالفیم! اما همه فیلمهای مجوز گرفته اخیر از وزارت فرهنگ و ارشاد و تخریب آنها از خط قرمزها است. (حتی جنگ را هم با روابط جنسی تصویر میکنند) بنده بارها در جشنواره های مختلف، این را اعلام کردم، ولی نتیجه آن تحریم خبرگزاری ماهین است. مسئول روابط عمومی جشنواره فجر، صراحتاً گفت: ماهین نیز، سیاسی بر خورد می کند، لذا ما دعوت نمی کنیم. در حالیکه همه فیلمهای برنده، سیاسی هستند، سیاسی از آن جهت که: تمایلات دشمنان را به صورت زیبایی، در جامعه طرح می کنند. مهمترین تمایلات دشمنان بی آینده بودن است، تا انقلاب مردم ایران را یک اشتباه بی سرانجام نشان دهد. در حالیکه خودشان، در تمام فیلم ها و مستند های غربی، پرواز به آینده و پرتاب شدن به: دنیای پر از زیبایی و شهنوت و پول و قدرت را دارند. این شوق به

مدیریت حذفی در جنگ



برتری نژادی و قومی صهیونیزم، در کوه صهیون شکل گرفت و در سال های ۱۹۷۲، به نسل کشی و اخراج فلسطینی ها انجامید. در ۸ سال بعد در سالهای ۱۹۷۹ با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، امام خمینی مدیریت جنگی را به دست گرفت. بر مبنای مدیریت حذفی ایشان، اعلام شد که اسرائیل باید از بین برود. این موضوع نشان می دهد: که نقطه اوج قدرت اسرائیل تبدیل به افول آن شد. مسئولان رژیم صهیونیستی هم اعلام کردند: با ظهور انقلاب اسلامی: زلزله بزرگی پایه های: تازه تاسیس رژیم جعلی را لرزانده است. زیرا امام خمینی بر اساس حمایت های لبنان ولیبی، روی کار آمده بود. و بغض خفته اعراب را بعنوان: نیروی محرکه خود انتخاب کرده بود. از این رو، رژیم صهیونیستی به فکر افتاد با ربودن امام موسی صدر، مانع این حرکت شود. در ادامه به ریاض چهار نفر دیگر از دیپلماتهای ایران اقدام شد. اما مجازات قذافی به آمریکا واگذار شد، تا باجت های جنگنده او را ساقط کنند، و این جتها در ایران و عراق، از این تجربیات استفاده شد. لیبی و سوریه، دولت لیبرال بازگان و موسوی را مجبور کردند، که نیرویی به لبنان نفرستند. با اینکه امام خمینی گفته بود: راه قدس از کربلا می گذرد را مطرح کردند. امام خمینی که با مقاومت خودی ها، در برابر جنگ حذفی روبرو شده بود، راه جدیدی در پیش گرفت: لازم نبود که برای آزادی قدس، از ایران نیرو اعزام شود، بلکه باید خود آنها تقویت شود. لذا جنبش امل وابسته به امام موسی صدر، منحل و بجای آن حزب الله لبنان تاسیس شد. استراتژی جنگ حذفی هم تغییر جهت داد: همه انقلابیون که در فلسطین، لبنان و لیبی و مصر دوره دیده بودند: تا انقلاب ایران را رهبری کنند، در ایران ماندند: از دکتر چمران گرفته، تا محمد منتظری و محمدعلی ربانی . و امکاناتی که مهندس چمران در لبنان ایجاد کرده بود، هم از مدیریت ایران خارج شد. زیرا دکتر چمران هنرستانی تاسیس کرده بود: تا همه فنون ناسا را به دانشجویان انتقال داده شود. به همین جهت، در جنگ بین ایران و عراق، از این تجربیات استفاده شد. لیبی و سوریه،

این پیروزی، همه گروههای غیر اسلامی تسویه شدند. و مدیریت حذفی دوباره جان گرفت. اما این بار مسئولیت نه در ایران، بلکه در خود کشورهای یمن و عراق و لبنان و سوریه متمرکز شد. چون ایران معتقد شده بود: اگر اسرائیل کاری با ایران ندارد، نباید با او کاری داشته باشد. و این سیاست هنوز ادامه دارد. زیرا دکتربین جدید مدیریت جنگ، بر اساس عدم حمله ابتدایی تنظیم شده است. یعنی ایران فقط در صورتی وارد عمل می شود که: اسرائیل به منابع و منافع مستقیم ایران ضربه بزند. و چون اسرائیل هم علیرغم تبلیغات، جرات رود رویی مستقیم ندارد. لذا مدیریت حذفی از دستور کار خارج شده. و به مدیریت ضربه متقابل تبدیل شده است. گرچه همچنان سخنان امام خمینی، مبنی بر حذف اسرائیل، در تریبونها استفاده می شود. اما عملاً به کشورهای خط مقاومت هم، سیاست ضربه متقابل القا شده است. لذا غزه بر سر دوراهی است: باید که مدیریت حذفی جنگ را، به تنهایی به ادامه دهد.

غزه شیعه باید باشد

غزه به چند دلیل باید شیعه شود، تا پیروز گردد: اول اینکه ایران قابل اعتماد نیست. سالها هزینه استعمار و استبداد و استثمار، از ایران موجودی ساخته که بجز رهبری و رئیس جمهور آن، اغلب مسئولین در غرب پرونده دارند. و به نوعی نمک پروده آنها هستند. اغلب آنها از منافقین، کمونیست ها، بودند، و مثلاً توبه کرده اند، کسی که از اول عقاید اسلامی داشته باشد نداریم. لذا می بینیم تا فرصتی پیش می آید: انگلیسی صحبت می کنند، و آتن خود را به آمریکا و اروپا وصل می نمایند. گروه دیگر آنان آشکارا، در اروپا و آمریکا درس خوانده و زندگی کرده اند. و گوشت و پوست آنها در انجا پرورش یافته، البته برخی ها هم فراری بوده یا در اعداد فرار مغزها، قرار می گیرند. آنها اغلب با نقشه به ایران برگشته اند. مثل دکتر ولایتی که عامل اصلی پذیرش همه قرار دادهای خارجی است. و یا دکتر مزدی که با طب سنتی مخالف است. و همه مصوبات بهداشت جهانی را پیاده می کند. اصولا فکر و ذهن آنها مانند تقی ارانی، از فرق سر تا نوک پا، خارجی شدن است. البته (اسمشو نبر) هست. یعنی در زبان نمی گویند. بلکه در عمل پیاده می کنند، هر چیزی از اسلام را هم، که غرب اجازه دهد، می پذیرند، و بقیه را خرافات می دانند. در موضوع غزه هم از دوطرف: مانع پیروزی غزه می شوند: یکی اینکه تبلیغ می کنند، غزه از بین رفته، مردم در قحطی و گرسنگی هستند. این یعنی تأیید غرب و اسرائیل، که می خواهند غزه نابود شود.



نوجوانان و جوانان غزه هم باید به علی اکبر امام حسین و قاسم امام حسن تاسی بچینند. حتی اگر بی ای و تشنگی، بر آنها غلبه کرد باید: به تشنگی حضرت ابولفضل در کنار نهر فرات، فکر کنند. امروز تنها صاحب الزمان است، که به فکر غزه هست، و نایب برحق او، و بقیه مانند ابن سعد و شمر و یزید، فقط نابودی غزه را می خواهند. صاحب الزمان هم مجری قرآن است. در قرآن برعکس خواسته مسئولین بی غیرت، بیان شده! قرآن گفته: فجاسو خلال الدیار، یعنی غزه باید به سرزمین های اشغالی حمله کند، تک تک شهرک نشینان را بیرون بکشد. نه اینکه در غزه بماند، و به تشنگی و گرسنگی فکر کند. امام حسین به ما یاد داد که: گرسنگی و تشنگی نباید مانع مقاومت شود. زیرا قرآن فرمود (ولنبولکم بشی من الخوف و الجوع..). برای بیرون آمدن از این امتحان الهی، باید خروج کنید! نه اینکه در زیر زمین ها مخفی شوید، تا دشمن بگوید همه شما مرده اید. قیام و خروج دستور قرآن است: فرمود (قوموله مثنی و فرادا، قومو لله قاتنین، انفروا خفافا و ثقالا) یعنی دست خالی هم باشید، باید خروج کنید. چه رسد به الان که: موشک بجای سنگ دارید.

سازمان ملل در مسیر انحلال



خروج ناو هواپیمابر آیزنهاور آمریکا

از خلیج فارس



اگر خارج نمی شد باید آن را مصادره می کردیم

فرمانده نیروی دریایی سپاه : دریا دار تنگسیری در ادامه نسبت به اقدامات کنترلی ناو هواپیمابر آیزنهاور آمریکا به همراه رزمناو ۵۸CG و ناو پشتیبانی ۰۰۶TA پنجم آذر ماه وارد خلیج فارس و ۲۳ آذر ماه با کنترل کامل نیروی دریایی سپاه از خلیج فارس و تنگه هرمز خارج شدند. فرمانده نیروی دریایی سپاه به اشراف و پایش مستمر نیروی دریایی سپاه بر ناو و رزمناو هواپیمابر آیزنهاور در منطقه، از خروج این ناو از خلیج فارس و تنگه هرمز خبر داد. تمامی سولات و اطلاعاتی که مرکز کنترل باند تنگه دریا دار پاسدار علیرضا تنگسیری با اشاره به ورود و خروج اخیر ناو هواپیمابر آمریکایی آیزنهاور از خلیج فارس و تنگه هرمز گفت: این ناو گروه کمتر از ۲۰ روز در خلیج فارس حضور داشت که طی این مدت تحت اشراف اطلاعاتی رزمندگان نیروی دریایی سپاه قرار داشت.



جنایتکار بودن شورای امنیت، بر همه جهان ثابت شد. قبلا برعلیه ایران و عراق و لبنان و سوریه افغانستان، دستور حمله صادر می کرد. و چون تبلیغات تروریست بودن او، زیاد بود کسی متوجه جنایات او نمی شد. اما اکنون که سلاح تبلیغات از او گرفته شده، مردم دنیا دیدند که دوبار مصوبه ضد جنگ را وتو کرد، و دست اسرائیل را برای قتل عام فلسطینی ها باز گذاشت. حالا قرار است فردا مجمع عمومی سازمان ملل، تشکیل جلسه دهد. به نظر می رسد این جلسه آخر سازمان ملل باید باشد. زیرا مجمع عمومی هم هر چه تصویب کند، آمریکا و اروپا وتو خواهند کرد. لذا تنها راه باقی مانده آن است که: روسای جمهور کشورها، تصمیم به انحلال سازمان بگیرند، و به ملت های خود اعلام کنند که: در قتل عام جهانیان شرکت نداشته اند. والا همه جنایات اسرائیل و آمریکا، در سراسر جهان بنام آنها نوشته خواهد شد. زیرا، سازمان ملل از ابتدای تاسیس! دست به جنایت زده، و اعضا مجمع عمومی سکوت اختیار کردند.(الساکت

اخى الراضى) و سکوت علامت رضا هست. حمله آمریکا به عراق و دیگر کشورهای مستقل، با مجوز شورای امنیت بوده است، و لذا کشتار بیش از یک میلیارد انسان، بر ذمه شورای امنیت است. شورای امنیت هم از سوی مجمع عمومی تایید می شود، لذا تداوم جنایت های جنگی شورای امنیت، نشان از مشارکت روسای جمهور کل جهان هست. کشتار فلسطینی ها گرچه توسط اسرائیل انجام می شود، ولی با حق وتو اروپا و آمریکا ادامه می یابد. براساس دستور قرآن، کشتن هر انسان معادل کشتن تمام انسانها هست. مثلا اگر حضر آدم ع کشته می شد (قبل از ازدواج و تولید مثل) یعنی هیچ انسانی روی زمین نبود. اگر منحنی جمعیت را رسم، و از این معادله انتگرال بگیریم، کشتن حضرت آدم، معادل کشتن چهل میلیارد انسان بود، آنهم تا کنون! هر انسانی به همین مقدار عقبه دارد. فرض کنید در هر نسل دوبرابر میشود. و هر نسل هم بطور متوسط سی سال باشد. و مثلا نوح ۱۵ هزار سال پیش بود؛ و چهار پسر

شناخت شناسی: تاریخ علم غربی



میدان می شوند. پدر علم مدیریت نه در ایران یا در اروپا، بلکه در آمریکا از نهضت روابط انسانی میوه، آغاز می شود و بقیه مدیریت کلاسیک! نامگذاری می گردد. زیرا همه آنها را انقلاب اسلامی دفن کرد. بروکراسی وبر(نگو، بنویس)، با ضبط صوت جایگزین شد. و امام خمینی بجای چاپ اعلامیه، به سخنرانی و پخش صوت و تصویر اقدام نمود. دوران انتقال مکتوب به مجازی، آغاز شده بود. کسی بخود زحمت نمی داد که: کتاب چاپ کند یا کتاب بخواند، براحتی صوت یا نوار یا کاست و پادکست را، در خودرو و خانه و خیابان گوش می دادند یا نگاه می کردند. چون ساواک و اسرائیل، در دوران مکتوب باقی مانده بودند، تصور تاثیر نوارکاست یا حلقه فیلم را نداشتند. لذا سخت گیری هم نمی

شد. و همین تصور در دانشگاههای آمریکا و انگلیس هم بود. آنها با کتاب به جنگ فضای مجازی اولیه می رفتند. کتابها ارزانتر و فراوانتر چاپ می شد. تا سرعت کتابخوانی بالا رود. ولی نتیجه چیزی جز توسعه فضای مجازی نبود. در حالیکه کتاب فقط در انحصار قشر فرهیخته بود، مردم راه خود را از روشنفکران جدا کردند. و آنها را با کتاب تنها گذاشتند. این بود که اصرار بر علم خالص، مرز دانش و غیره بالا گرفت. و فضای مجازی را به سطحی نگری متهم کردند. در حالیکه مطالعه در فضای مجازی، آنلاین و مطابق با آخرین ایده ها بود. یعنی بجای اینکه

بدنبال داشته است. قرون معاصر هم به سه قسمت تقسیم می شود: یک قسمت که صرف مبارزه با خرافات کلیسا شده، لذا فقط جنبه تفننی و اعتراضی داشته، و اصالت قابل دفاعی ندارد. شاید قرن نوزده و اوایل قرن بیست را، بتوان در این جمله خلاصه کرد: کسی علمی بود که با کلیسا مبارزه می کرد. در قرن بیستم هم که دنیای غرب، درگیر جنگ و تغییر مرزها بود. و به علم فقط برای جنگیدن فکر می کرد. لذا میتوان به آن عصر دینامیت، موشک و بمب افکن نامگذاری کرد. چون ایران با تاسیس سازمان ملل، جلوی جنگ را گرفت، لذا این جنگ سالاران، شروع به حذف ایران کردند. که آغاز آن با

همه چیز از نو باید شروع شود، زیرا فلسفه و تاریخ و جامعه شناسی و حتی فرمول های ریاضی و علوم پایه را، غرب به سلیقه خود نوشته است. تاریخ علم از نظر آنها از ۱۹۸۰مقارن: بروز انقلاب اسلامی نوشته شده. همه نظریات دانشمندان مربوط به این دوره علمی هست! و مابقی هرچه در گذشته بوده کلاسیک و سکولار است. یعنی وجود ندارد. حتی شناخت شناسی! هم بیش از ۵۰سال سابقه ندارد. از نظر غرب، تمدن ایران یک اتفاق ساده، زودگذر بوده و تمام شده! پس عهد عتیق اصلا داخل تاریخ نیست. در قرون وسطی هم، کلیسا حاکم بوده و انکیزیسیون، تفتیش عقاید و کشتار گالیله ها را